



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



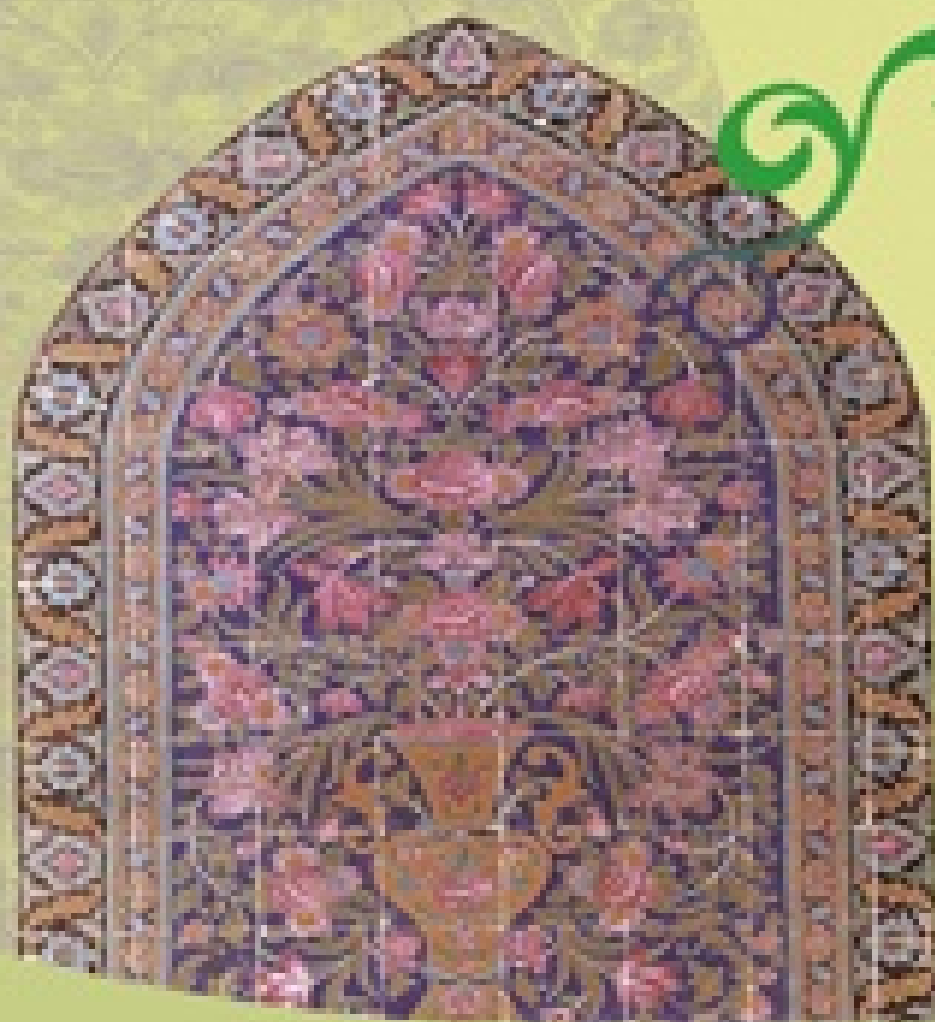
عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

یکصد و چهل و ده نکته از

قرآن کریم درباره نماز

نالیف اکبر دهلان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز

نویسنده:

اکبر دهقان

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۸	پیشگفتار
۲۴	۱ _ اهمیت نماز
۲۴	۲ _ عنایت خداوند به نماز
۲۵	۳ _ ارزش نماز
۲۵	۴ _ اقامه ی نماز در ردیف اقامه ی دین
۲۶	۵ _ اقامه ی نماز در ردیف مبانی اعتقادی
۲۷	۶ _ توجه به خداوند به هنگام نماز
۲۷	۷ _ بهره برداری از نماز در قیامت
۲۸	۸ _ پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به نماز
۲۹	۹ _ اوقات پنج گانه ی نماز
۳۰	۱۰ _ نماز معیار قبولی اعمال
۳۱	۱۱ _ نماز نخستین فریضه ی الهی
۳۱	۱۲ _ معانی صلوة در قرآن
۳۲	۱۳ _ ایمان به قیامت عامل محافظت بر نماز
۳۳	۱۴ _ نماز تنها برای خداوند
۳۳	۱۵ _ خشیت و خشوع در نماز
۳۴	۱۶ _ نماز نشانه ی شکر خداوند
۳۴	۱۷ _ اذان و اقامه در نماز
۳۸	۱۸ _ شرافت نماز

۳۸	۱۹ _ سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز
۳۹	۲۰ _ نماز عامل سعادت
۳۹	۲۱ _ نام ها و اوصاف نماز
۴۱	۲۲ _ اقامه فردی و اجتماعی نماز
۴۳	۲۳ _ اقامه ی نماز برنامه ی رسمی انبیاء الهی
۴۳	۲۴ _ اقامه ی نماز هدف هجرت ابراهیم علیه السلام
۴۴	۲۵ _ رعایت آداب ظاهری و باطنی در نماز
۴۶	۲۶ _ سفارش والدین به نماز
۴۸	۲۷ _ ممنوعیت نماز در حال مستی
۴۹	۲۸ _ احیای نماز از وظائف مسئولین نظام اسلامی
۵۰	۲۹ _ طهارت ظاهری و معنوی در نماز
۵۱	۳۰ _ کمک خواستن از نماز
۵۳	۳۱ _ نماز وسیله ی طرد شیطان
۵۴	۳۲ _ نماز نشانه ی بسیاری از کمالات
۵۵	۳۳ _ مطرح بودن نماز در همه ادیان الهی
۵۶	۳۴ _ سبقت به نماز
۵۶	۳۵ _ همراهی سایر عبادات با نماز
۵۷	۳۶ _ فضایل اخلاقی و اجتماعی همراه با نماز
۵۸	۳۷ _ کمالات انسانی همراه با نماز
۵۹	۳۸ _ همراه بودن زکات و نماز
۶۰	۳۹ _ پرداخت زکات در نماز
۶۰	۴۰ _ نماز و ابراز عقاید دینی و مذهبی
۶۱	۴۱ _ نماز عامل تکامل
۶۲	۴۲ _ نماز و اعتقاد به اختیار
۶۲	۴۳ _ نماز عامل رستگاری
۶۴	۴۴ _ نماز فرع بر یاد خداوند

- ۴۵ _ نماز عامل تحصیل خشنودی خداوند ----- ۶۴
- ۴۶ _ اوصاف برجسته ی نمازگزاران ----- ۶۵
- ۴۷ _ نماز مایه رهائی انسان از علاقه به دنیا ----- ۶۶
- ۴۸ _ مداومت بر نماز ----- ۶۷
- ۴۹ _ محافظت از نماز ----- ۶۸
- ۵۰ _ اعتدال در نماز ----- ۶۸
- ۵۱ _ نماز راه تحصیل استقامت ----- ۷۰
- ۵۲ _ نماز راه تحصیل شرح صدر ----- ۷۱
- ۵۳ _ استعانت از خداوند با نماز ----- ۷۲
- ۵۴ _ نماز، حضور در برابر خداوند ----- ۷۲
- ۵۵ _ نماز عبادت موقت ----- ۷۳
- ۵۶ _ نماز ذکر عملی ----- ۷۴
- ۵۷ _ بر یا دارنده ی نماز؛ مصلح واقعی ----- ۷۴
- ۵۸ _ نماز مظهر ستایش و نیایش ----- ۷۵
- ۵۹ _ نماز هم قرائت قرآن است، هم دعا ----- ۷۵
- ۶۰ _ خشوع در نماز ----- ۷۶
- ۶۱ _ نماز مانع گواهی دادن به دروغ ----- ۷۷
- ۶۲ _ نماز برنامه ی دائمی پرهیزکاران ----- ۷۸
- ۶۳ _ دوری از ردایل و تزیین به فضایل، معیار قبولی نماز ----- ۷۸
- ۶۴ _ شباهت های نماز با قرآن کریم ----- ۷۹
- ۶۵ _ شباهت های نماز و حضرت علی علیه السلام ----- ۸۱
- ۶۶ _ محافظت بر نماز ----- ۸۳
- ۶۷ _ تأکید بر حفاظت از نماز وسطی ----- ۸۴
- ۶۸ _ نماز و خضوع در برابر خداوند ----- ۸۶
- ۶۹ _ آثار و برکات نماز ----- ۸۶
- ۷۰ _ نماز یاد الهی ----- ۸۸

- ۷۱ _ استخفاف به نماز ۹۰
- ۷۲ _ برخورد منفی با نماز ۹۲
- ۷۳ _ موانع قبولی نماز ۹۴
- ۷۴ _ نماز و آغاز به نام خداوند ۹۵
- ۷۵ _ ادب ورود در نماز ۹۶
- ۷۶ _ قداست نام خداوند ۹۷
- ۷۷ _ نماز جلوه ی رحمت خداوند ۹۹
- ۷۸ _ یاد قیامت در نماز ۹۹
- ۷۹ _ نماز و طلب هدایت ۱۰۰
- ۸۰ _ پاداش نماز ۱۰۲
- ۸۱ _ هشدار نسبت به ترک نماز ۱۰۴
- ۸۲ _ نماز نور خداوند ۱۰۵
- ۸۳ _ سجده در نماز ۱۰۶
- ۸۴ _ قداست و عظمت مساجد ۱۰۸
- ۸۵ _ مساجد محل عبادت خداوند ۱۰۹
- ۸۶ _ ویران کننده مساجد ظالم ترین انسان ۱۰۹
- ۸۷ _ شرایط آباد کنندگان مسجد ۱۱۰
- ۸۸ _ ترس از خداوند از اوصاف متولیان مساجد ۱۱۱
- ۸۹ _ وظایف مسلمان نسبت به مساجد ۱۱۲
- ۹۰ _ مسجد مرکز عبادت ۱۱۵
- ۹۱ _ نماز جماعت ۱۱۶
- ۹۲ _ توجه به جنبه های اجتماعی نماز ۱۱۶
- ۹۳ _ نماز جمعه ۱۱۸
- ۹۴ _ مقدم داشتن نماز جمعه بر هر کار ۱۱۹
- ۹۵ _ نماز جمعه و رسیدن به خیر حقیقی ۱۲۰
- ۹۶ _ دنیا پرستان و رها کردن نماز جمعه ۱۲۱

- ۹۷ _ نماز شب ۱۲۴
- ۹۸ _ راز پنهان بودن پاداش نماز شب ۱۲۵
- ۹۹ _ دستور نماز شب به پیامبر اکرم ۱۲۶
- ۱۰۰ _ نماز شب مستحب مؤکد ۱۲۸
- ۱۰۱ _ سحر بهترین فرصت برای نماز شب ۱۲۹
- ۱۰۲ _ وجوب نماز شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۳۰
- ۱۰۳ _ مقام شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پرتو نماز شب ۱۳۰
- ۱۰۴ _ نماز مسافر ۱۳۱
- ۱۰۵ _ نماز در میدان جنگ ۱۳۲
- ۱۰۶ _ نماز دافع و رافع اعمال ناپسند ۱۳۴
- ۱۰۷ _ نماز مایه ی پاکیزگی از گناهان ۱۳۵
- ۱۰۸ _ بهره مندی مؤمنان از نماز ۱۳۶
- ۱۰۹ _ نماز اولین و آخرین سفارش پیامبران ۱۳۷
- ۱۱۰ _ زینت مادی و معنوی در نماز ۱۳۷
- ۱۱۱ _ تأثیر و تأثر متقابل در نماز و گناه ۱۳۸
- ۱۱۲ _ ضرورت نشاط در نماز ۱۳۸
- ۱۱۳ _ کمیت و کیفیت در نماز ۱۳۹
- ۱۱۴ _ نماز نشانه ی خرد ۱۴۱
- فهرست عناوین کتابهای ستاد اقامه نماز به ترتیب سال انتشار ۱۴۳
- درباره مرکز ۱۴۶

یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : دهقان، اکبر، - 1344

عنوان و نام پدیدآور : یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره ی نماز/ [نویسنده] اکبر دهقان

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، 1381.

مشخصات ظاهری : 136ص.

شابک : 964-7309-27-93500ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : چاپ پنجم: 1385؛ 5500 ریال

یادداشت : عنوان دیگر: 114 [صد و چهارده] نکته از قرآن کریم درباره ی نماز.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر : 114 [صد و چهارده] نکته از قرآن کریم درباره ی نماز.

عنوان دیگر : 114 [صد و چهارده] نکته از قرآن کریم درباره ی نماز

موضوع : نماز -- جنبه های قرآنی

موضوع : نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP104/ن 8 د 9 1381

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : م 82-98

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم در باره ی نماز

ص: 4

فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

۱- اهمیت نماز ۱۵

۲- عنایت خداوند به نماز ۱۵

۳- ارزش نماز ۱۶

۴- اقامه‌ی نماز در ردیف اقامه‌ی دین ۱۶

۵- اقامه‌ی نماز در ردیف مبانی اعتقادی ۱۷

۶- توجه به خداوند به هنگام نماز ۱۸

۷- بهره‌برداری از نماز در قیامت ۱۸

۸- پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به نماز ۱۹

۹- اوقات پنج‌گانه‌ی نماز ۲۰

۱۰- نماز معیار قبولی اعمال ۲۱

۱۱- نماز نخستین فریضه‌ی الهی ۲۲

۱۲- معانی صلوة در قرآن ۲۲

۱۳- ایمان به قیامت عامل محافظت بر نماز ۲۳

۱۴- نماز تنها برای خداوند ۲۴

۱۵- خشیت و خشوع در نماز ۲۴

۱۶- نماز نشانه‌ی شکر خداوند ۲۵

۱۷- اذان و اقامه در نماز ۲۵

۱۸- شرافت نماز ۲۹

۱۹- سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز ۲۹

۲۰- نماز عامل سعادت ۳۰

۲۱- نام‌ها و اوصاف نماز ۳۰

۲۲- اقامه فردی و اجتماعی نماز ۳۲

۲۳- اقامه‌ی نماز برنامه‌ی رسمی انبیاء الهی ۳۴

۲۴- اقامه‌ی نماز هدف هجرت ابراهیم علیه السلام ۳۵

- ۲۵- رعایت آداب ظاهری و باطنی در نماز ۳۵
- ۲۶- سفارش والدین به نماز ۳۷
- ۲۷- ممنوعیت نماز در حال مستی ۳۹
- ۲۸- احیای نماز از وظائف مسئولین نظام اسلامی ۴۰
- ۲۹- طهارت ظاهری و معنوی در نماز ۴۱
- ۳۰- کمک خواستن از نماز ۴۲
- ۳۱- نماز وسیله‌ی طرد شیطان ۴۴
- ۳۲- نماز نشانه‌ی بسیاری از کمالات ۴۵
- ۳۳- مطرح بودن نماز در همه ادیان الهی ۴۶
- ۳۴- سبقت به نماز ۴۷
- ۳۵- همراهی سایر عبادات با نماز ۴۷
- ۳۶- فضایل اخلاقی و اجتماعی همراه با نماز ۴۸
- ۳۷- کمالات انسانی همراه با نماز ۴۹
- ۳۸- همراه بودن زکات و نماز ۵۰
- ۳۹- پرداخت زکات در نماز ۵۱
- ۴۰- نماز و ابراز عقاید دینی و مذهبی ۵۱
- ۴۱- نماز عامل تکامل ۵۲
- ۴۲- نماز و اعتقاد به اختیار ۵۳
- ۴۳- نماز عامل رستگاری ۵۳
- ۴۴- نماز فرع بر یاد خداوند ۵۵
- ۴۵- نماز عامل تحصیل خشنودی خداوند ۵۵
- ۴۶- اوصاف برجسته‌ی نمازگزاران ۵۶
- ۴۷- نماز مایه رهائی انسان از علاقه به دنیا ۵۷
- ۴۸- مداومت بر نماز ۵۸
- ۴۹- محافظت از نماز ۵۹
- ۵۰- اعتدال در نماز ۵۹
- ۵۱- نماز راه تحصیل استقامت ۶۱
- ۵۲- نماز راه تحصیل شرح صدر ۶۲
- ۵۳- استعانت از خداوند با نماز ۶۳
- ۵۴- نماز، حضور در برابر خداوند ۶۳

۶۴	۵۵- نماز عبادت موقت
۶۵	۵۶- نماز ذکر عملی
۶۵	۵۷- بر پا دارنده‌ی نماز؛ مصلح واقعی
۶۶	۵۸- نماز مظهر ستایش و نیایش
۶۶	۵۹- نماز هم قرائت قرآن است، هم دعا
۶۷	۶۰- خشوع در نماز
۶۸	۶۱- نماز مانع گواهی دادن به دروغ
۶۹	۶۲- نماز برنامه‌ی دائمی پرهیزکاران
۶۹	۶۳- دوری از رذایل و تزیین به فضایل، معیار قبولی نماز
۷۰	۶۴- شباهت‌های نماز با قرآن کریم
۷۲	۶۵- شباهت‌های نماز و حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۷۴	۶۶- محافظت بر نماز
۷۵	۶۷- تأکید بر حفاظت از نماز وسطی
۷۷	۶۸- نماز و خضوع در برابر خداوند
۷۷	۶۹- آثار و برکات نماز
۷۹	۷۰- نماز یاد الهی
۸۱	۷۱- استخفاف به نماز
۸۳	۷۲- برخورد منفی با نماز
۸۵	۷۳- موانع قبولی نماز
۸۶	۷۴- نماز و آغاز به نام خداوند
۸۷	۷۵- ادب ورود در نماز
۸۸	۷۶- قداست نام خداوند
۹۰	۷۷- نماز جلوه‌ی رحمت خداوند
۹۰	۷۸- یاد قیامت در نماز
۹۱	۷۹- نماز و طلب هدایت
۹۳	۸۰- پاداش نماز
۹۵	۸۱- هشدار نسبت به ترک نماز
۹۶	۸۲- نماز نور خداوند
۹۷	۸۳- سجده در نماز
۹۹	۸۴- قداست و عظمت مساجد

- ۸۵- مساجد محل عبادت خداوند ۱۰۰
- ۸۶- ویران کننده مساجد ظالم‌ترین انسان ۱۰۰
- ۸۷- شرایط آباد کنندگان مسجد ۱۰۱
- ۸۸- ترس از خداوند از اوصاف متولیان مساجد ۱۰۲
- ۸۹- وظایف مسلمان نسبت به مساجد ۱۰۳
- ۹۰- مسجد مرکز عبادت ۱۰۶
- ۹۱- نماز جماعت ۱۰۷
- ۹۲- توجه به جنبه‌های اجتماعی نماز ۱۰۷
- ۹۳- نماز جمعه ۱۰۹
- ۹۴- مقدم داشتن نماز جمعه بر هر کار ۱۱۰
- ۹۵- نماز جمعه و رسیدن به خیر حقیقی ۱۱۱
- ۹۶- دنیا پرستان و رها کردن نماز جمعه ۱۱۲
- ۹۷- نماز شب ۱۱۵
- ۹۸- راز پنهان بودن پاداش نماز شب ۱۱۶
- ۹۹- دستور نماز شب به پیامبر اکرم ۱۱۷
- ۱۰۰- نماز شب مستحب مؤکد ۱۱۹
- ۱۰۱- سحر بهترین فرصت برای نماز شب ۱۲۰
- ۱۰۲- وجوب نماز شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۲۱
- ۱۰۳- مقام شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پر تو نماز شب ۱۲۱
- ۱۰۴- نماز مسافر ۱۲۲
- ۱۰۵- نماز در میدان جنگ ۱۲۳
- ۱۰۶- نماز دافع و رافع اعمال ناپسند ۱۲۵
- ۱۰۷- نماز مایه‌ی پاکیزگی از گناهان ۱۲۶
- ۱۰۸- بهره‌مندی مؤمنان از نماز ۱۲۷
- ۱۰۹- نماز اولین و آخرین سفارش پیامبران ۱۲۸
- ۱۱۰- زینت مادی و معنوی در نماز ۱۲۸
- ۱۱۱- تأثیر و تأثر متقابل در نماز و گناه ۱۲۹
- ۱۱۲- ضرورت نشاط در نماز ۱۲۹
- ۱۱۳- کمیت و کیفیت در نماز ۱۳۰
- ۱۱۴- نماز نشانه‌ی خرد ۱۳۲

از دیدگاه قرآن کریم نماز منزلت بس رفیعی دارد که هیچ عمل عبادی به پایه ی آن نمی رسد، از این رو اولین دستوری که خداوند به حضرت موسی علیه السلام بعد از وحی به او می دهد، موضوع نماز است که تبلور بندگی و عبودیت است؛ «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ * إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14)». (1)

از نظر اسلام نماز ارتباط بنده با خداوند است؛ ارتباط موجود ضعیف و نیازمند به خداوند قادر و بی نیاز؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (15)». (2)

الف _ همه ی مسلمانان دوست دارند که در نزد خداوند قرب و منزلت پیدا کنند؛ بهترین وسیله ی تقرب به خداوند نماز است؛ «الصلوة قربان كل تقى». (3)

ب _ همه ی مسلمانان دوست دارند خداوند از آنان خشنود باشد؛

ص: 9

1- طه / 13 _ 14.

2- فاطر / 15.

3- فروع کافی / ج 1 / ص 265.

بهترین وسیله ی خشنودی خداوند نماز است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الصلاة من شرایع الدین و فیها مرضات الرب عزّ و جلّ و هی منهاج الانبیاء». (1)

ج_ همه ی مسلمانان دوست دارند قلب آنان آرام گردد، بهترین وسیله برای آرامش روح و قلب، نماز است. زیرا نماز یاد خداوند است؛ «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (2) و به وسیله ی یاد خداوند قلب آرام می گردد؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (28). (3)

د_ همه ی مسلمانان دوست دارند بهترین عمل را انجام دهند؛ بهترین عمل نماز است. قال علی علیه السلام: «أوصیکم بالصلوة و حفظها فانّها خیر العمل». (4)

ه_ همه ی مسلمانان دوست دارند گناهانشان آمرزیده شود؛ بهترین وسیله ی آمرزش گناه، نماز است. قال علی علیه السلام: «من اتی الصلوة عارفاً بحقیقها غفر له». (5)

و_ همه ی مسلمانان دوست دارند به سعادت و فلاح نائل شوند؛ بهترین وسیله ی سعادت، نماز است؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (15). (6)

ص: 10

1- خصال / ج 2 / ص 522.

2- طه / 14.

3- رعد / 28.

4- بحار / ج 82 / ص 209.

5- خصال / ج 2 / ص 628.

6- اعلی / 14 _ 15.

ز _ همه ی مسلمانان دوست دارند از شرّ شیطان در امان باشند و بهترین وسیله ی امنیت از گزند شیطان، نماز است؛ «الصلاة حصن من سطوات الشيطان». (1)

ح _ همه ی مسلمانان دوست دارند محبوب ترین عمل را برای خداوند بجا آورند و محبوب ترین اعمال نزد خداوند نماز است؛ «احب الاعمال الى الله عزّ و جلّ الصلاة». (2)

ط _ همه ی مسلمانان دوست دارند از رذائل اخلاقی پاکیزه گردند؛ بهترین وسیله برای از بین بردن رذائل اخلاقی نماز است؛ «فرض الله الصلوة تنزيها من الكبر». (3)

ی _ همه ی مسلمانان دوست دارند به بهشت جاویدان راه پیدا کنند؛ بهترین وسیله برای رفتن به بهشت الهی نماز است؛ «تكون صلاة العبد مفتاحا للجنة». (4)

نسبت به نماز در روایات تشبیهاتی شده است از جمله:

الف _ نماز همانند سر نسبت به بدن است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «موضع الصلوة من الدين كموضع الرأس من الجسد». (5)

ب _ نماز همانند ستون خیمه است که قوام خیمه به آن ستون هایی

ص: 11

1- غرر / 2212.

2- من لا يحضر الفقيه / ج 1 / ص 210.

3- بحار / ج 82 / ص 209.

4- بحار / ج 82 / ص 232.

5- نهج الفصاحة / ج 2 / ص 624.

است که در آن به کار رفته است؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثل الصلوة مثل عمود الفسطاط اذا بعث العمود نفعت الاطناب و الاوتاد و الغشاء».(1)

ج_ نماز همانند نهر آب است که انسان می تواند در پرتو نماز از آلودگی ها پاک شود؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثل الصلوة كمثل النهر الجاري كلما صلى صلاة كُفرت ما بينهما من الذنوب».(2)

د_ نماز همانند سفره ی آماده ای است که انسان می تواند از آن بهره مند شود. «الا انّ الصلاة مآدبة الله في الارض قد هيأها لاهل رحمته في كل يوم خمس مرّات»؛ نماز سفره ای است از جانب خداوند در روی زمین که آن را برای کسانی که مورد لطف او هستند آماده و تهیه کرده تا در هر روز پنج مرتبه از آن بهره مند شوند.(3)

نماز به اندازه ای دارای اهمیت است که حضرت رضا علیه السلام جلسه ی بحث و مناظره با عمران صابی را که فرد مشرکی بود ترک کرد. آن شخص گفت: قلب من الان نرم شده؛ (قد لان قلبی) حضرت حاضر نشد بحث را ادامه دهد تا او هدایت شود با این که در روایت دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: سوگند به خدا اگر شخصی به وسیله ی تو هدایت شود، از آنچه خورشید بر او می تابد بهتر است؛ «فوالله لئن يهدى

ص: 12

1- وسائل / ج 3 / ص 21.

2- تهذیب / ج 2 / ص 237.

3- مستدرک / ج 1 / ص 107.

الله بک رجلاً واحداً خیر لک مما طلعت علیه الشمس»(1).

در اینجا حضرت هدایت این فرد را رها کرد و به طرف نماز حرکت نمود. بعد از نماز جلسه ی بحث را ادامه دادند و آن فرد مسلمان شد. (2) شاید بتوان استفاده نمود که این اهمیت دادن به نماز زمینه ی مسلمان شدن او را فراهم نمود. زیرا وقتی آن شخص می بیند امام علیه السلام این اندازه به دین خود مقید است، عقیده به حقانیت آن پیدا می کند.

نماز به اندازه ای مهم است که حضرت صادق علیه السلام در آخرین لحظه ی عمر مبارک خویش به خویشاوندان خویش توصیه به نماز می نماید و می فرماید: هر کس نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی رسد؛ «ان شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلوة». (3)

کتابی که پیش رو دارید، پیش از تدوین طی 60 جلسه در رادیو معارف بیان شده سپس علاوه بر تغییرات اندک در آن، مواردی نیز افزوده شده است تا به شکل کنونی عرضه شده است. این کتاب مشتمل بر یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز (4) معادل یکصد و چهارده سوره قرآن کریم می باشد. خداوند متعال را بر این توفیق سپاسگزارم.

ص: 13

1- بحار 8/39.

2- بحار / ج 49 / ص 175.

3- وسائل / ج 3 / ص 17.

4- بیش از 30 نکته که در این کتاب آمده به فضل الهی در اثناء مطالعه به ذهن نویسنده رسید که از قرآن و روایات استفاده نموده و آن ها را به رشته ی تحریر در آوردم.

در پایان از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محسن قرائتی که همواره مشوق اینجانب در تحقیق مباحث و آثار قرآنی از جمله این اثر بوده اند تقدیر می نمایم. خداوند انشاء الله ما را از نمازگزاران واقعی قرار دهد.

حوزه ی علمیه ی قم

اکبر دهقان

80 / 12 / 8

ص: 14

1_ اهمیت نماز

در اهمیت و عظمت نماز همین بس که در هیچ حال و زمانی نماز از انسان ساقط نمی شود. قرآن کریم می فرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (103) ». (1)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: کلمه «موقوت» به معنای قرار دادن وقت برای امری است؛ یعنی نماز فریضه ای است که باید در مواقع و زمان های معینی انجام شود و مقصود از کتابت موقوت این است که نماز فریضه ثابتی است که اصلاً تغییرپذیر نیست و در هیچ حالی ساقط نمی شود. (2)

2_ عنایت خداوند به نماز

قرآن کریم می فرماید: « وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ * وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (72) ». (3)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: خداوند متعال با ذکر کلمه «واتقوه» (تقوا داشته باشید)، تمامی عبادات و اعمال دین را خلاصه کرد و تنها از میان آن ها نماز را نام برد، برای آن اهمیتی که داشته و عنایتی که خداوند نسبت به امر نماز دارد. (4)

ص: 15

1- نساء / 101.

2- المیزان / ج 5 / ص 102.

3- انعام / 71 _ 72.

4- المیزان / ج 7 / ص 230.

3_ ارزش نماز

قرآن کریم ضمن بیان ویژگی های مؤمنان که به خدا و قیامت معتقد هستند از موضوع اقامه ی نماز با تعبیر ویژه ای یاد کرده است؛ «
وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (1).

در این آیه ی شریفه کلمه ی «مقیمین الصلوة» به صورت منصوب بیان شده است که از باب اختصاص و مدح می باشد، اما جملات دیگر به صورت مرفوع ذکر شده است مانند: «والمؤمنون» و «والمؤتون الزکوة»، بنا بر این منصوب بودن «مقیمین الصلوة» اهمیت و ارزش نماز را می رساند. (2)

4_ اقامه ی نماز در ردیف اقامه ی دین

همان گونه که قرآن کریم مسلمانان را به اصل اقامه ی دین توصیه می کند؛ «**أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ**» (3) سفارش به اقامه ی نماز هم می نماید. بطوری که در آیات مختلف می فرماید: «**اقیموا الصلوة**»؛ در حدیث آمده است: «**افزعوا الی قوام دینکم باقامة الصلوة**» (4).

چه این که کفار برای مبارزه با اسلام گاهی دین و گاهی نماز را به

ص: 16

1- نساء / 162.

2- المیزان / ج 5 / ص .

3- شوری / 13.

4- بحار / ج 78 / ص 35.

استهزا می گرفتند. خداوند می فرماید: « لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا » (1) و «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا» (2)؛ از این تعبیرات روشن می شود که اقامه ی دین به اقامه ی نماز بستگی دارد و کفار برای مبارزه با دین مسلمانان با نماز برخورد می کردند و آن را به استهزا می گرفتند.

5_ اقامه ی نماز در ردیف مبانی اعتقادی

نماز آنقدر دارای اهمیت است که گاهی بلافاصله بعد از ایمان به مبدأ و معاد مطرح شده است؛ «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ» (3)، همانگونه که نماز همتا و عدل امامت است. چون حضرت ابراهیم علیه السلام در دو مورد عبارت «و من
ذریّتی» را به کار برده است؛ یکی در مورد نماز و دیگری در مورد امامت فرزندان خود؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» (4). وقتی خداوند به
ابراهیم علیه السلام فرمود: تو را امام مردم قرار دادم، ابراهیم علیه السلام امامت را برای ذریه و نسل خود تقاضا کرد؛ «قال و من
ذریّتی» (5).

ص: 17

1- مائده / 57.

2- مائده / 58.

3- توبه / 18.

4- ابراهیم / 40.

5- بقره / 124؛ یکصد و چهارده نکته در باره ی نماز / ص 88.

6_ توجه به خداوند به هنگام نماز

« وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ » (1)

مرحوم علامه طباطبایی رضی الله عنه می فرماید: منظور از اقامه وجه به هنگام عبادت، این است که انسان دلش چنان متوجه خدا باشد که از هر چیز دیگری منقطع شود.

بنا بر این جمله ی «و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد» به ضمیمه «و ادعوه مخلصین له الدین» این معنا را افاده می کند که بر هر عابدی واجب است که توجه خود را از غیر خدا منقطع سازد و یکی از چیزهایی که غیر خداست، همان عبادت اوست، پس عابد حتی نباید به عبادت خود توجه کند. زیرا عبادت توجه است نه چیزی که به او توجه شود. (2)

7_ بهره برداری از نماز در قیامت

از نظر قرآن کریم بهترین عملی که در قیامت انسان از آن بهره مند می شود، بر پا داشتن نماز است. آیه ی شریفه ی «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (3) تجسم عمل را بازگو می کند که انسان از اعمال خیر خود بهره می برد؛ یعنی نمازی که در دنیا انجام می دهد و زکاتی که می پردازد سود آن نصیب خود انسان می شود؛ «لأنفسکم» نه این که خداوند به اعمال بشر نیاز داشته باشد.

ص: 18

1- اعراف / 29.

2- المیزان / ج 8 / ص 102.

3- بقره / 110.

8_ پیمان شکنی بنی اسرائیل نسبت به نماز

قرآن کریم در دو آیه از سوره ی بقره به بنی اسرائیل دستور اقامه ی نماز داده است و در یک مورد از آنان پیمان گرفته که نماز را در جامعه اقامه کنند، اما اکثریت آنان پیمان شکنی کردند؛ «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ... ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ» (1) و در آیه ی دیگر بعد از آن که به بنی اسرائیل دستور می دهد که نعمت های الهی را یادآور شوند آن ها را موظف به اقامه ی نماز و پرداخت زکات می نماید؛ «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (2).

اگر از میان همه تکالیف، دعوت به اقامه ی نماز نمود، به دلیل اهمیت نماز است و از این که خواندن نماز جماعت به رکوع نمودن تعبیر شده، اهمیت رکوع در نماز را بیان می کند؛ علاوه بر آن می رساند که نماز یهودیان دارای رکوع نبوده و بعد از ظهور اسلام باید همانند مسلمانان نماز بخوانند. (3)

ص: 19

1- بقره / 83.

2- بقره / 43.

3- تفسیر نمونه / ج 1 / ص 209.

9_ اوقات پنج گانه ی نماز

در بعضی از آیات قرآن کریم تنها اشاره به یک نماز شده است مانند: نماز ظهر که می فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ» (1) که نماز وسطی طبق تفسیر مشهور، نماز ظهر است، و گاهی اشاره به وقت سه نماز شده است مانند: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ» (2) که «طَرَفَيِ النَّهَارِ» اشاره به نماز صبح و مغرب و «زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ» اشاره به نماز عشا است.

گاهی اوقات هر پنج نماز بیان شده است مانند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (78) (3): «دُلُوكِ الشَّمْسِ»؛ یعنی زوال خورشید و «غَسَقِ اللَّيْلِ»؛ یعنی تاریکی شب که نماز از زوال خورشید تا تاریکی شب شامل نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا می شود و مقصود از «قُرْآنَ الْفَجْرِ» نماز صبح است.

سؤال: منظور قرآن کریم از این که می فرماید: نماز صبح مشهود است، منظور مشاهده ی چه کسانی است؟

پاسخ: از روایات استفاده می شود که نماز صبح مشهود فرشتگان شب و روز است. زیرا در آغاز صبح فرشتگان شب که مراقبان بندگان خدایند، جای خود را به فرشتگان روز می دهند و چون نماز صبح در

ص: 20

1- بقره / 238.

2- هود / 114.

3- اسراء / 78.

همان آغاز طلوع اقامه می گردد، هر دو گروه آن را مشاهده می کنند و بر آن گواهی می دهند.

10_ نماز معیار قبولی اعمال

از نظر قرآن کریم معیار قبولی اعمال، تقوا و پرهیزکاری است؛ «أَتَمَّا يَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». اما از روایات استفاده می شود که قبولی اعمال بستگی به قبولی نماز دارد؛ «إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا»⁽¹⁾، جالب این که باز پذیرفته شدن نماز بستگی به ولایت امامان معصوم علیهم السلام دارد. شخصی از حضرت سجاد علیه السلام پرسید سبب قبولی نماز چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما مایه ی پذیرفته شدن نماز است؛ «و ما سبب قبولها قال: ولایتنا و البرائة من أعدائنا»⁽²⁾.

از ضمیمه شدن این دو حدیث به صورت شکل اول منطقی نتیجه می گیریم که پذیرفته شدن همه ی اعمال بستگی به محبت اهل بیت علیهم السلام دارد.

توضیح:

مقدمه ی اول: قبولی سایر اعمال به قبولی نماز بستگی دارد.

مقدمه ی دوم: قبولی نماز به ولایت اهل بیت علیهم السلام وابسته است.

نتیجه: قبولی اعمال وابسته به محبت اهل بیت علیهم السلام است.

ص: 21

1- کافی / 3 / 268.

2- مناقب / 4 / 131.

11_ نماز نخستین فریضه ی الهی

خداوند متعال اولین دستور عبادی را که به حضرت موسی علیه السلام می دهد، موضوع نماز است، از این رو بعد از دستور به عبادت به عنوان نخستین فریضه موضوع نماز را مطرح می نماید: «فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (1).

الف _ اولین حکمی را که خداوند بر بندگان خویش واجب نمود، نمازهای پنج گانه بود؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «اول ما افترض الله على امتي الصلوات الخمس» (2).

ب _ اولین حکمی که تعلیم و یادگیری آن واجب است نماز است؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «اذا أسلم الرجل أول ما يعلمه الصلوة» (3).

ج _ اولین فریضه ای که در قیامت از انسان سؤال می شود نماز است؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «... أول ما يحاسب به العبد يوم القيامة الصلوة» (4).

12_ معانی صلوة در قرآن

نماز گزاردن _ نماز خواندن _ «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ» (5) واژه صلاة گاهی متعدی به حرف (علی) می شود و در معانی

ص: 22

1- طه / 14.

2- کنز العمال / ج 7 / 18851.

3- درّ المنتور / ج 1 / ص 710.

4- جامع الاخبار / ص 184.

5- آل عمران / 39.

مختلفی به کار می رود از جمله:

الف) قرائت « وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ » (1)

ب) دعا کردن « خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم بها وصل عليهم »

ج) درود فرستادن « إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ » (2)

د) آمرزیدن از جانب خدا _ طلب رحمت از ناحیه فرشتگان « هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ » (3)

و نمازی که از ناحیه خداوند بر ما تشریح و واجب شده و دارای افعال و اذکار مخصوصی است از آن جهت به «صلوة» نامگذاری شده که مشتمل بر قرائت در حال قیام و درود فرستادن و ستایش در حال قعود است و هنگامی که نمازگزار این فریضه را بجا آورد مشمول رحمت خداوند می گردد. (4)

13_ ایمان به قیامت عامل محافظت بر نماز

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: کسانی که معتقد به قیامت هستند به قرآن نیز ایمان دارند، علاوه بر آن نسبت به نماز محافظت دارند؛ «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ... وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ

ص: 23

1- اسراء / 110.

2- احزاب / 56

3- احزاب 43؛ دانشنامه قرآن 2/1379

4- روح البیان 1/33.

وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (92)». (1)

با توجه به این که اصولاً ایمان به قیامت انسان را وادار به تمام کارهای خیر می کند (از نماز و روزه و خمس و ...)، لیکن موضوع نماز را به دلیل شرافتش بر سایر عبادات بیان کرده است. (2)

14 _ نماز تنها برای خداوند

از آیه ی شریفه ی «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (162)» (3)، استفاده می شود که شرط نماز آن است که تنها برای خداوند انجام شود و جهت این که نماز را جداگانه ذکر کرد با این که نماز داخل در نسک و عبادت هست به دلیل شرافت نماز است. (4)

15 _ خشیت و خشوع در نماز

از نظر اسلام نماز مانند سایر عبادات دارای درجات و مراتب است و بهترین نماز آن است که نمازگزار در نمازش خشیت و خشوع داشته باشد. قرآن کریم در وصف مؤمنان می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2)» (5)

ص: 24

1- انعام / 92.

2- تفسیر کبیر / ج 13 / ص 87.

3- انعام / 162.

4- تفسیر کبیر / ج 14 / 12؛ مراغی / ج 8 / ص 91.

5- مؤمنون / 1_ 2.

در سیره ی اولیای الهی می بینیم که آن بزرگواران به دلیل خشیت از خداوند اندام مبارکشان می لرزید. در باره ی امام سجاد علیه السلام در روایت آمده است: «کانت اعضائه ترتعد من خشية الله». (1)

16_ نماز نشانه ی شکر خداوند

خداوند متعال بعد از آن که نعمت کوثر را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرحمت می کند می فرماید: در برابر این عطای ما برای خداوند نماز بخوان؛ «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ...». (2)

فخر رازی می گوید: در این سوره خداوند در برابر نعمت کوثر نمی فرماید «فاشکر» بلکه فرموده: «فصلِّ»؛ جهتش آن است که شکر بر سه قسم است: لفظی، عملی و قلبی، و نماز مشتمل بر هر سه قسم شکر است. (3)

17_ اذان و اقامه در نماز

از آیات کریمه ی قرآن می توان جملاتی که در اذان و اقامه گفته می شود استفاده کرد:

الف _ «الله اکبر»؛ «وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا». (4)

ص: 25

1- بحار / ج 84 / ص 250.

2- کوثر / 1_ 2.

3- تفسیر کبیر / ج 32 / 122.

4- اسراء / 111.

ب _ «أشهد أن لا اله الا الله»؛ «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (1).

ج _ «أشهد أن محمدا رسول الله»؛ «يس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (2).

د _ «أشهد أن امير المؤمنين عليا ولي الله»؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (55)» (3). که به اتفاق مفسران این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام بوده و ولایت او در کنار ولایت خدا و پیامبرش مطرح شده است.

ه _ «حی علی الصلوة»؛ آیات «أقیموا الصلوة».

و _ «حی علی الفلاح»؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (15)» (4).

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» (5)، مقصود از «ندای برای نماز»، اذان است.

الف _ قال الصادق علیه السلام: «انَّ أَوَّلَ مَنْ سَبَقَ إِلَى الْجَنَّةِ بِلَالٌ ... لِأَنَّهُ أَوَّلَ مَنْ أَذَّنَ»؛ بلال نخستین فردی است که به سوی بهشت سبقت گرفت به دلیل این که نخستین فردی بود که اذان گفت (6).

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «قم يا بلال فارحنا بالصلوة» (7).

ص: 26

1- محمد / 19.

2- يس / 1_ 3.

3- مائده / 55.

4- اعلى / 14_ 15.

5- جمعه / 9.

6- وسائل / ج 4 / ص 614.

7- كنز العمال / 20951.

ب_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «سيأتي على الناس زمان يتركون الاذان على ضعفائهم»؛ زمانی خواهد آمد که مردم اذان را به افراد ناتوان می سپارند. (1)

ج_ قال على عليه السلام: «اغتنموا الدعاء عند اربع؛ عند قراءة القرآن وعند الاذان وعند نزول الغيث وعند التقاء الصفيين للشهادة»؛ در چهار زمان دعا را غنیمت بشمارید که مستجاب می شود: هنگام قرائت قرآن و هنگام اذان و هنگام نزول باران و هنگام رو برو شدن دو لشکر مؤمنین و کفار برای جنگ. (2)

د_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لو علم الناس ما فى النداء والصف الاول لاستهموا عليه»؛ اگر مردم ارزش اذان گفتن و شرکت در جماعت را می دانستند، هر آینه برای این کار قرعه کشی می کردند. (3)

ه_ قال على عليه السلام: «من سمع النداء فلم يجبه من غير علة فلا صلاة له»؛ هر کس صدای اذان را بشنود و بدون علت به آن پاسخ ندهد پس نمازی برای او نیست (4)، البته سیاق این حدیث مانند «لا صلوة لجار المسجد الا فى المسجد» است که ناظر به نفی کمال است نه نفی صحت. یعنی نماز انسان کامل نیست نه اینکه صحیح نباشد.

و_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الدعاء بين الاذان والاقامة لا يرد»؛ دعای

ص: 27

1- كنز العمال / ج 7 / ص 690.

2- وسائل / ج 4 / ص 1114.

3- بحار / ج 88 / ص 200.

4- وسائل / ج 5 / ص 375.

بین اذان و اقامه رد نمی شود. (1)

ز _ مؤذن هم باید عارف به وقت باشد هم خوش صدا باشد؛ قال الصادق علیه السلام: «لا یستقیم الاذان و لا یجوز ان یؤذن به الا رجل مسلم عارف». (2)

ح _ قال علی علیه السلام: «لیؤذن لکم افصحکم». (3)

ط _ حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس صدای اذان را بشنود و از مسجد خارج شود، منافق است مگر این که قصد برگشت داشته باشد. (4)

ی _ کسی که یک سال با نیت صادق اذان بگوید، روز قیامت حق شفاعت دارد. (5)

ک _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به یهود و نصاری سلام کنید، به یهود و نصاری امت من سلام نکنید و آن کسی است که اذان را بشنود و به نماز جماعت نرود. (6)

ل _ «اجابة المؤذن یزید فی الرزق» (7) و «اجابة المؤذن کفارة الذنوب». (8)

ص: 28

1- وسائل / ج 4 / ص 1114.

2- فروغ کافی / ج 3 / ص 307.

3- بحار / ج 84 / ص 161.

4- وسائل / ج 4 / ص 621.

5- مستدرک / ج 4 / ص 22.

6- لنالی الاخبار / ج 4 / ص 204.

7- بحار / ج 84 / ص 177.

8- مستدرک / ج 1 / ص 227.

18_ شرافت نماز

قرآن کریم در توصیف مؤمنان می فرماید: مؤمنان کسانی هستند که علاوه بر پاسخ مثبت به ندای الهی نماز را اقامه می کنند؛ «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (1).

مرحوم علامه طباطبایی رضی الله عنه می فرماید: اگر از میان همه ی تکالیف اسلامی خداوند نام نماز را بیان کرد و فرمود: نماز را بر پا می دارند، از باب ذکر خاص بعد از عام است که دلالت بر اهمیت و شرافت نماز دارد. (2)

19_ سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز

هنگامی که آیه شریفه «و أمر اهلك بالصلاة» نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدت 9 ماه در هر پنج وقت نماز (یعنی حدود 1350 مرتبه) به منزل حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می آمد و می فرمود: نماز، خدا شما را رحمت کند. بعد از آن آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (33) (3) را که درباره معرفی اهل بیت خود بود، تلاوت می کرد. (4) از این روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو مطلب اساسی استفاده می شود: الف) اهمیت نماز ب) معرفی اهل بیت خود به جامعه اسلامی تا دیگر عذری برای کسی باقی نماند.

ص: 29

1- شوری / 37.

2- المیزان / ج 18 / ص 96.

3- احزاب / 35.

4- سفینه 5/146.

20_ نماز عامل سعادت

از نظر قرآن کریم نماز عامل فلاح و رستگاری و سعادت انسان است. قرآن کریم در اوصاف متقین می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)».(1)

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اوصاف نماز را برای شخصی بیان کرد آن شخص گفت: و الله لا ازید علیها و لا انقص منها؛ به خدا قسم من چیزی از نماز نه کم می کنم و نه زیاد انجام می دهم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أفْلَحَ إِنْ صَدَقَ»؛ این شخص اگر راست بگوید به سعادت دست یافته است.(2)

21_ نام ها و اوصاف نماز

در قرآن کریم چند نام و وصف برای نماز بیان شده است: قرآن، ایمان، حسنه.

قرآن کریم می فرماید: « وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ »(3)؛ قبله ی مسلمانان در صدر اسلام و در ایامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه تشریف داشتند و حتی بعد از مدت کوتاهی در مدینه به طرف بیت المقدس بود، ولی بعد از آن مسلمانان به طرف کعبه متوجه شدند و کعبه ی معظمه قبله ی مسلمانان شد و این تغییر قبله به دلیل این بود که یهودی ها به

ص: 30

1- بقره / 3.

2- تفسیر کبیر / ج 3 / ص 47.

3- بقره / 143.

مسلمانان اعتراض می کردند و می گفتند شما استقلال ندارید و به طرف قبله ی ما نماز می خوانید. بعد از این که قبله تغییر پیدا کرد، این ذهنیت برای مسلمانان پیش آمد که نمازهایی که به طرف بیت المقدس خوانده ایم باطل است، در اینجا بود که آیه نازل شد و قرآن کریم بشارت داد که: خداوند ایمان شما را ضایع نمی سازد؛ یعنی نمازهای شما همگی درست است، بنا بر این در این آیه ی شریفه به نماز اطلاق ایمان شده است و این به دلیل اهمیت و ارزش و قداست نماز است.

وصف دیگر نماز «حسنة» است. قرآن کریم می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (1).

هم چنین به نماز، قرآن فجر اطلاق شده است؛ «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا». در اهمیت نماز صبح همین بس که هم اطلاق قرآن بر آن شده و هم به طور جداگانه از نمازهای دیگر بیان شده است. چون می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»، که در این آیه نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا در یک جمله بیان شده است، اما نماز صبح به طور ویژه و خاص بیان شده است. «دلوک شمس» یعنی زوال خورشید که مقصود موقع ظهر است و «غسق اللیل» تاریکی شب است، بنا بر این اقامه ی نماز از هنگام زوال خورشید تا تاریکی شب شامل چهارنماز می شود: ظهر و عصر و مغرب و عشا.

ص: 31

22_ اقامه فردی و اجتماعی نماز

در قرآن کریم آیات متعددی در مورد اقامه ی نماز مطرح است. از جمله:

الف _ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (43)» (1).

ب _ «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (2).

ج _ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (56)» (3).

اقامه از قیام مشتق شده است. قیام را به نماز نسبت می دهند؛ «قد قامت الصلوة»، اما اقامه را به نمازگزار نسبت می دهند؛ «قد أقيمت الصلوة». اقامه ی نماز یعنی بر پا داشتن نماز و آن به دو صورت تحقق می پذیرد: فردی و اجتماعی.

برای اقامه ی نماز در جنبه ی فردی رعایت اموری لازم است:

1 _ مراعات وقت نماز: مرحوم بلاغی در تفسیر الاء الرحمن در ذیل آیه ی «وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3)» (4) می فرماید: «یواظبون علیها فی أوقاتها»؛ یعنی پرهیزکاران کسانی هستند که نماز را در وقت خودش به جا می آورند.

2 _ اتمام واجبات: امام حسن عسگری علیه السلام در تفسیر آیه ی «وَأَقِيمُوا

ص: 32

1- بقره / 43.

2- بقره / 83.

3- نور / 56.

4- بقره / 3.

الصلوة» می فرماید: ای باتمام وضوءها و تکبیرها و قیامها و قرائتها و رکوعها و سجودها و حدودها. (1)

3_ اخلاص در نماز: امام حسن عسگری علیه السلام در دنباله ی روایت می فرماید: «و اخلاصها فی العبادة».

اقامه ی نماز از جنبه ی اجتماعی آن است که مسئولین نظام اسلامی موظفند مسئله ی نماز را در جامعه و حکومت اسلامی احیا کنند؛
«الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». (2)

امیر المؤمنین علیه السلام در عهدنامه ی خود به محمد بن ابی بکر که از طرف حضرت، حاکم مصر گردید می فرماید: «صل الصلوة لوقتها الموقت»؛ نماز را در همان وقت مشخص خود اقامه کن، «و لا تجعل وقتها لفراغ و لا تؤخرها عن وقتها لاشتغال»؛ مبادا آن را قبل از وقت به دلیل فرصتی که داری به جای آوری و یا به دلیل اشتغال و کار دیگر آن را به تأخیر بیندازی، بعد امام علیه السلام می فرماید: بدان که تمام اعمال تو باید تابع نماز باشد؛ یعنی نماز در رأس همه ی امور است؛ «و اعلم أنّ كلّ شیء من عملک تبع لصلاتک». (3)

ص: 33

1- مستدرک / ج 3 / روایت 2951.

2- حج / 41.

3- بحار / ج 33 / ص 581.

23_ اقامه ی نماز برنامه ی رسمی انبیاء الهی

قرآن کریم وقتی که از انبیای الهی سخن می گوید آنان را چنین می ستاید که به امر ما مردم را هدایت می کنند و ما به آن ها کارهای خوب و اقامه ی نماز و پرداخت زکات را وحی نمودیم؛ «وَجَعَلْنَا لَهُمْ آيَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (73)».(1)

با این که فعل خیرات شامل بر پا داشتن نماز هم می شود، اما در عین حال نماز را جداگانه بیان کرد و این به دلیل آن است که عطف خاص بر عام مفید اهمیت است.

تعبیر به «کانوا» که دلالت بر استمرار و دوام دارد شاید اشاره به این باشد که آنان حتی قبل از رسیدن به مقام نبوت و امامت بنده صالح خدا بودند که در پرتو آن خداوند مواهب تازه ای به آنان بخشید.(2)

24_ اقامه ی نماز هدف هجرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام هدف از هجرت خود و زن و فرزندش را از سرزمین خوش آب و هوای فلسطین به منطقه ی کوهستانی و بی آب و گیاه مکه ی معظمه موضوع نماز و بر پا داشتن آن بیان می کند؛ «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ

ص: 34

1- انبیاء / 73.

2- تفسیر نمونه / ج 13 / ص 456.

مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ». (1)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: جمله ی «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» غرض از اسکان اسماعیل و مادرش می باشد و اگر در میان نقاط مختلف زمین نقطه ای غیر قابل کشت و خالی از هوای معتدل را اختیار نمود برای این بوده که ذریه اش در عبادت خداوند خالص باشند و امور مادی، آن ها را به خود مشغول نسازد، چه این که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند تقاضا می کند که او و ذریه اش را از بر پا کنندگان نماز قرار دهد؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي». (2)

25_ رعایت آداب ظاهری و باطنی در نماز

نماز دارای یک سلسله آداب ظاهری و باطنی است که هر مسلمانی باید آن ها را رعایت کند:

الف _ لباس زیبا پوشیدن: قرآن کریم می فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (3). در روایت است که امام سجاد علیه السلام به هنگام نماز بهترین لباس خود را می پوشید (لبس اجود ثیابه) و به آیه ی فوق استناد می نمود. (4)

ب _ مسواک زدن: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فضیلت دو رکعت نماز با

ص: 35

1- ابراهیم / 37.

2- ابراهیم / 37؛ المیزان / ج 12 / ص 111.

3- اعراف / 31.

4- وسائل / ج 3 / ص 331.

مسواک از هفتاد رکعت نماز بی مسواک بیشتر است؛ «رکعتین بسواک أفضل من سبعین رکعة بغير سواک» (1).

ج _ عطر زدن: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به هنگام نماز عطر استعمال کند فضیلت نمازش هفتاد برابر نمازی است که فاقد عطر باشد؛ «صلاة متطيب أفضل من سبعین صلاة بغير طيب» (2).

د _ رعایت اول وقت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین اعمال نزد خداوند نماز اول وقت است؛ «أفضل الاعمال عند الله الصلاة في أول وقتها» (3).

ه _ نماز خواندن در مساجد: قال علی علیه السلام: «لا صلاة لجار المسجد الا في المسجد الا أن يكون عذر او به علة» (4).

و _ دعا خواندن قبل از تکبیرة الاحرام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از تکبیرة الاحرام عرضه می داشت: «وجهت وجهی للذی فطر السموات و الأرض حنیفا و ما أنا من المشرکین * انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» (5).

حضرت علی علیه السلام قبل از تکبیرة الاحرام عرضه می داشت: «یا محسن قد آتاک المسیئ و قد أمرت المحسن أن يتجاوز عن المسیئ، أنت المحسن

ص: 36

1- خصال / 481.

2- وسائل / ج 3 / ص 315.

3- مسند / ج 10 / ص 316.

4- دعائم الاسلام / ج 1 / ص 148.

5- سنن ترمذی / ج 5 / ص 487.

ز _ پناه بردن به خداوند: ابو سعید خدری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از قرائت، جمله ی شریفه «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را می فرمود. (2)

ح _ بلند گفتن «بسم الله»: امام حسن عسگری علیه السلام می فرمایند: یکی از نشانه های مؤمن این است که «بسم الله» در نماز را بلند بگوید. (3)

26 _ سفارش والدین به نماز

یکی از راه های اقامه ی نماز سفارش پدر و مادر به فرزندان در باره ی نماز است. قرآن کریم در آیات مختلفی سفارش خانواده به نماز را از ناحیه ی پیامبران الهی مطرح نموده است.

از جمله در مقام تمجید و تکریم از حضرت اسماعیل علیه السلام می فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (4)؛ جمله ی «وكان يأمر» دلالت بر استمرار و پیوستگی دارد؛ یعنی حضرت اسماعیل به طور مداوم خانواده ی خود را امر به نماز می کرد. از این آیه استفاده می شود که بر خلاف نوع مردم توجه آن حضرت به امور دینی فرزندانش بیشتر از

ص: 37

1- فلاح السائل / ص 155.

2- وسائل / ج 6 / ص 135.

3- تهذیب / ج 6 / ص 52.

4- مریم / 55.

توجه به امور دنیوی آن ها بوده است. (1)

چه این که قرآن سفارش حضرت لقمان به فرزندش را موضوع نماز و سایر فرائض دینی بیان می کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» (2)، همچنین خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (3).

هنگامی که این آیه نازل شد، بر طبق برخی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله مدت 9 ماه به هنگام نماز می آمدند در مقابل منزل حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام می فرمودند: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته الصلاة الصلاة یرحمکم الله» (4).

این سیره ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانگر اهمیت نماز و مسئولیت والدین نسبت به نماز فرزندان است با این که حضرت علی و فاطمه هیچ نیازی به این سفارش نداشتند در عین حال پیامبر تذکر می دهد و این درسی است برای امت اسلامی که نسبت به نماز نسل نو عنایت داشته باشند.

شخصی از حضرت رضا علیه السلام سؤال کرد: فرزندى دارم که هشت سال از عمرش گذشته ولی نماز نمی خواند. حضرت فرمود: «سبحان الله یترک الصلوة» بعد گفت اگر بچه مریض بود چه کند؟ حضرت فرمود: «یصلی علی نحو ما یقدر» (5)؛ به هر اندازه که می تواند نماز بخواند.

ص: 38

1- تفسیر کبیر / ج 21 / ص 232.

2- لقمان / 17.

3- طه / 132.

4- مجمع البیان 7/59.

5- وسائل / ج 3 / ص 13.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»(1).

از آیه شریفه فوق چند حکم اسلامی استفاده می شود.

الف) از نظر قرآن کریم افراد مست نمی توانند مشغول نماز شوند و نماز آن ها در این حال باطل است. فلسفه ی آن هم روشن است. زیرا نماز سخن گفتن با خداوند است و انسان باید بفهمد چه می گوید؛ در برخی از روایات آیه ی شریفه به مستی خواب تفسیر شده است؛ یعنی در حالی که کاملاً بیدار نشده اید نماز نخوانید، ولی این تفسیر از جمله ی «حتی تعلموا ما تقولون» استفاده می شود گرچه در معنای «سکاری» داخل نشود.

ب) باطل بودن نماز در حال جنابت که با جمله «و لا جنبا» به آن اشاره شده است سپس استثنایی برای این حکم بیان فرموده و می گوید: «الآ عابری سبیل» مگر اینکه مسافر باشید و در مسافرت گرفتار بی آبی شوید که در این حال نماز خواندن به شرط تیمم جایز است «فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا» ولی بعضی از روایات گوید: مقصود از صلوة در آیه محل نماز گزاردن و مسجد است یعنی در حال جنابت وارد مسجد نشوید مگر اینکه بخواهید عبور کنید.

ص: 39

ج) جواز نماز خواندن یا عبور از مسجد بعد از غسل کردن که با جمله «حتی تغتسلوا» بیان شده است.

د) تیمم برای معذورین (افراد مریض یا مسافر در صورت پیدانکردن آب). (1)

28_ احیای نماز از وظائف مسئولین نظام اسلامی

یکی از وظائف کسانی که قدرت و حکومت در دست آن هاست این است که مسئله ی نماز را در جامعه احیا کنند. قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...» (2)؛ از این آیه استفاده می شود که پایه های حکومت اسلامی بر سه محور دور می زند:

1_ نماز که پیوند انسان با خداوند است.

2_ زکات که پیوند انسان با دیگران است.

3_ نظارت اجتماعی که امر به معروف و نهی از منکر است.

مرحوم طبرسی می فرماید: اگر خداوند از میان همه ی عبادات تنها نماز را و از میان همه ی جهات مالی زکات را نام برد به دلیل این است که این دو در باب خود عمده و رکن اساسی هستند. (3)

ص: 40

1- نمونه 3/395.

2- حج / 41.

3- مجمع البیان / ج 7 / ص 239.

برای نماز لازم است دو گونه طهارت تحصیل شود: طهارت ظاهری و طهارت باطنی.

نسبت به طهارت ظاهری قرآن کریم می فرماید: « الصَّلَاةَ فَأَغْسِ لُؤَاؤُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ »⁽¹⁾، همچنین در حدیث است: «لا تقبل صلوة بغير طهور»⁽²⁾.

طهارت باطنی یعنی انسان قلب خود را از امور مادی و دنیوی مجرد سازد و حضور قلب خود را حفظ کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دو رکعت نماز بخواند در آن دو رکعت قلب خود را به چیزی از امور دنیا مشغول نسازد خداوند گناهانش را می آمرزد؛ «من صَلَّى ركعتين و لم يحدث فيهما بشئ ع من أمور الدنيا غفر الله له ذنوبه»⁽³⁾.

برای این که انسان حضور قلب پیدا کند، باید به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نماز وداع کند و وداع با نماز به این است که انسان اولاً: بفهمد در حضور خدا ایستاده و با خداوند سخن می گوید. ثانياً: این طور فرض کند که این نماز آخرین نماز من است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «صَلِّ صَلَاةَ مَوْدَعٍ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَاتَّهَ بِرَأْسِكَ»⁽⁴⁾ و «صَلِّ صَلَاةَ مَوْدَعٍ فَإِذَا دَخَلْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلْ هَذَا آخِرُ صَلَاتِي مِنَ الدُّنْيَا»⁽⁵⁾.

ص: 41

1- مائده / 6.

2- كنز العمال / 26006.

3- بحار / ج 84 / ص 294.

4- عوالى اللئالى / ج 1 / ص 101.

5- سفينة البحار / ج 5 / ص 158.

یکی از موضوعاتی که در باره ی نماز در قرآن کریم مطرح شده استعانت جستن و کمک خواستن از خداوند به وسیله ی نماز است که در دو مورد این مطلب بیان شده است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (1) و «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (2).

هر انسانی به تنهایی نمی تواند مشکلات و دشواری های زندگی مادی و معنوی خود را حل کند مگر این که به او کمک شود و بهترین یاری دهنده خداوند متعال است، از این رو در نماز به خداوند عرضه می داریم: پروردگارا! هم تو را عبادت می کنیم و هم از تو مدد می جوئیم؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، از این رو حضرت موسی علیه السلام به قومش می گوید: برای پیروزی در مشکلات از خداوند کمک بخواهید و در برابر دشواری ها صبر کنید؛ «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا» (3).

بر طبق این دو آیه برای پیروزی بر مشکلات، دو رکن اساسی لازم است: یکی موضوع صبر و شکیبایی و استقامت در برابر ناگواری ها و دیگری مسئله ی نماز و پیوند درونی و قلبی با خداوند متعال است.

مرحوم طبرسی می فرماید: صبر به معنای خودداری از خواسته ها و

ص: 42

1- بقره / 45.

2- بقره / 153.

3- اعراف / 128.

خویشتن داری در برابر هوا و هوس است و صبر بر مصیبت به همین معناست که مصیبت زده خود را از بی تابی و از جزع و فزع و فریاد زدن نگه می دارد.

و به همین مناسبت ماه رمضان که روزه دار خودداری از خوردن و آشامیدن می کند ماه صبر نامیده شده است، از این رو در حدیث داریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه با مشکلی مواجه می شد که او را ناراحت می کرد، از نماز و روزه کمک می گرفت.

در حدیث دیگری وارد شده که: «کان علی علیه السلام اذا اهاله امر فزع قام الی الصلاة ثم تلا هذه الآية»⁽¹⁾؛ هنگامی که مشکلی برای حضرت علی علیه السلام پیش می آمد از نماز کمک می گرفت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه با غمی از غم های دنیا رو به رو می شوید، وضو بگیرید و به مسجد بروید و نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند می فرماید: «استعينوا بالصبر و الصلوة»⁽²⁾.

گرچه قرآن کریم می فرماید: از صبر و نماز کمک بگیرید، اما ضمیر «انها» به نماز بر می گردد. علامه طباطبایی رضی الله عنه می فرماید: زیرا استعانت جستن به صبر با خشوع چندان تناسب ندارد در حالی که با نماز تناسب کامل دارد.

ص: 43

1- نور الثقلین / ج 1 / ص 76.

2- تفسیر عیاشی / ج 1 / ص 43.

31_ نماز وسیله ی طرد شیطان

از نظر قرآن کریم کارکردهای نماز در نقطه مقابل اهداف شیطان است؛ برای مثال:

هدف شیطان آن است که انسان آلوده به گناه شود و نماز انسان را از آلودگی نجات می دهد.

قرآن کریم می فرماید: شیطان امر به فحشا و منکر می کند؛ «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (1)، اما نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد؛ «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (2)؛ نماز سد محکمی در برابر نفوذ شیطان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الصلاة حصن من سطوات الشيطان» (3). نماز این فایده را دارد که هم صورت شیطان را سیاه می کند؛ «الصلوة تسود وجه الشيطان» (4) و هم شیطان را از انسان نمازگزار طرد می کند؛ «الصلوة مدحرة للشيطان» (5).

ص: 44

1- نور / 21.

2- عنكبوت / 45.

3- غرر الحکم / 2212.

4- الفردوس / ج 2 / ص 405.

5- غرر الحکم / 2213.

32_ نماز نشانه ی بسیاری از کمالات

- الف _ نماز نشانه ی ایمان حقیقی؛ «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ* أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا».(1)
- ب _ نماز نشانه ی یقین به قیامت؛ «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ».(2)
- ج _ نماز نشانه ی توبه ی واقعی؛ «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ».(3)
- د _ نماز نشانه ی تقوای حقیقی؛ «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ*الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ».(4)
- ه _ نماز نشانه ی تواضع؛ «... بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ*...وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ»(5)
- و _ نماز نشانه ی نیکی و نیکان؛ «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ... وَأَقَامَ الصَّلَاةَ».(6)
- ز _ نماز نشانه ی احسان؛ «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ*الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ».(7)
- ح _ نماز نشانه ی هدایت؛ «قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ».(8)

ص: 45

1- انفال / 3_4.

2- نمل / 3.

3- توبه / 5.

4- بقره / 3.

5- حج / 34_35.

6- بقره / 177.

7- لقمان / 3_4.

8- انعام / 72.

33_ مطرح بودن نماز در همه ادیان الهی

نماز از جمله عباداتی است که در همه ی ادیان و شرایع دینی مطرح بوده است:

الف _ حضرت ابراهیم علیه السلام ؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي». (1)

ب _ حضرت اسماعیل علیه السلام ؛ «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ». (2)

ج _ حضرت شعیب علیه السلام ؛ « يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا». (3)

د _ حضرت موسی علیه السلام ؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14)». (4)

ه _ حضرت زکریا علیه السلام ؛ «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ». (5)

و _ حضرت عیسی علیه السلام ؛ « وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (31)». (6)

ز _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا». (7)

ص: 46

1- ابراهیم / 40.

2- مریم / 55.

3- هود / 87.

4- طه / 24.

5- آل عمران / 39.

6- مریم / 31.

7- طه / 132.

34_ سبقت به نماز

از نظر اسلام نماز بهترین عمل است. قال علی علیه السلام: «اللّٰهُ فِي الصَّلٰوةِ فَانَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ»⁽¹⁾. قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد نسبت به کارهای خیر از دیگران سبقت بگیرند؛ «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»⁽²⁾، بنا بر این نماز از جمله اموری است که باید نسبت به آن سبقت گرفت و اصولاً ترغیب و تشویقی که نسبت به امر نماز شده در باره ی کمتر عبادتی به عمل آمده است، از این رو در اذان و اقامه در شبانه روز 20 مرتبه «حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ» و 20 مرتبه «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» و 20 مرتبه «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» و 10 مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ» گفته می شود.

35_ همراهی سایر عبادات با نماز

در اهمیت نماز همین بس که بسیاری از فرایض و عبادات در کنار نماز مطرح شده است:

الف_ روزه همراه با نماز؛ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»⁽³⁾؛ در حدیث وارد شده که مقصود از صبر روزه است، البته روزه به عنوان مصداق بیان شده است.

ص: 47

1- بحار / ج 42 / ص 249.

2- مائده / 48.

3- بقره / 45.

ب _ حج همراه با نماز؛ «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (1).

ج _ جهاد همراه با نماز؛ «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ...» (2).

د _ امر به معروف همراه با نماز؛ «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» (3).

36_ فضایل اخلاقی و اجتماعی همراه با نماز

نماز آن قدر دارای اهمیت است که بسیاری از کمالات و فضایل اخلاقی همراه با آن بیان شده است از جمله:

الف _ عدالت اجتماعی و دعای خالصانه همراه با نماز؛ «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (4).

ب _ تلاوت قرآن و انفاق همراه با نماز؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (5).

ج _ صبر همراه با نماز؛ «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» (6).

د _ مشورت همراه با نماز؛ «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» (7).

ص: 48

1- بقره / 121.

2- توبه / 112.

3- لقمان / 15؛ یکصد و چهارده نکته در باره ی نماز / ص 84.

4- اعراف / 29.

5- فاطر / 29.

6- رعد / 22.

7- شوری / 38.

کمتر فضیلت و کمالی را می توان تصور نمود که در نماز مطرح نباشد:

* نماز و بهداشت ؛ به هنگام نماز باید طهارت تحصیل کرد و وضو گرفت، چه این که به هنگام وضو مضمضه و استنشاق مستحب است و موجب آمرزش گناهان است.

* نماز و زیبایی ؛ قرآن می فرماید: « خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ » (1). در حدیث است که امام سجّاد علیه السلام به هنگام نماز بهترین لباس خود را می پوشید؛ «لبس اجود ثیابه» و بعد به این آیه استناد می نمود. (2)

* نماز و عدالت ؛ از شرایط امام جماعت عادل بودن اوست.

* نماز و نظم و انضباط ؛ به هنگام نماز جماعت صفوف مأمومین باید منظم و مرتب باشد و همه با هم باید اعمال نماز را انجام دهند.

* نماز و رعایت حقوق مردم ؛ لباس و مکان نمازگزار باید مباح باشد و اگر غصبی باشد، نماز باطل است.

* نماز و اخلاص ؛ در سراسر نماز قصد قربت شرط است، اگر انسان در نماز ریا و تظاهر کند، نمازش باطل است.

* نماز و سلام ؛ در پایان نماز به بندگان صالح سلام می کنیم نه این که به قدرتمندان یا ثروتمندان یا بر دانشمندان و ...

ص: 49

1- اعراف / 31.

2- تفسیر عیاشی / ج 2 / ص 14.

* نماز و رهبری معصوم؛ اگر انسان رهبری امامان معصوم علیهم السلام را نپذیرد عبادات او از جمله نماز پذیرفته نمی شود. (1)

38_ همراه بودن زکات و نماز

در 26 مورد از آیات قرآن، زکات همراه با نماز مطرح شده است به تعبیر دیگر ارتباط با خداوند همراه با ارتباط با مردم بیان شده است، از این همراهی می توان فهمید که مسلمان واقعی کسی است که علاوه بر عبادت فردی (نماز) کمک به مستمندان نیز داشته باشد (عبادت اجتماعی).

امام باقر علیه السلام می فرماید: «انّ الله تبارک و تعالی قرن الزکاة بالصلوة فقال: أقيموا الصلوة وءاتوا الزکاة فمن أقام الصلوة و لم یؤت الزکوة فكأنه لم یقم الصلوة» (2)؛ خداوند زکات را با نماز همراه ساخته است، از این رو امر به هر دو نموده، بنا بر این اگر کسی نماز را به پا دارد و زکات را پرداخت نکند، گویا نماز را نیز به پا نداشته است. همچنین آن حضرت می فرماید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پنج نفر را به دلیل این که نسبت به زکات توجّه و اعتنایی نداشتند از مسجد بیرون کرد. (3)

ص: 50

1- حجة الاسلام قرائتی.

2- وسائل / ج 6 / ص 7.

3- وسائل / ج 6 / ص 12.

39_ پرداخت زکات در نماز

آیه ی شریفه ی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (55)»⁽¹⁾، به اتفاق فریقین در مورد حضرت علی علیه السلام نازل شده است. زمخشری از علمای اهل سنت می گوید:

این آیه در شأن علی علیه السلام نازل گشته و سرّ این که لفظ جمع آمده با این که مورد نزول آن یک مرد بیش نبوده، این است که مردم را به این چنین فعلی ترغیب کند و بیان دارد که مؤمنان این چنین سیرت و سجدیه ای را کسب کنند که نسبت به کمک به مستمندان حریص باشند و حتی در حال نماز آن را به تأخیر نیاندازند.

فخر رازی می گوید: این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است. علما نیز اتفاق کرده اند که ادای زکات در حال رکوع واقع نشده جز از علی علیه السلام⁽²⁾.

40_ نماز و ابراز عقاید دینی و مذهبی

نماز از نظر اسلام سخن گفتن با خداوند است. هر مسلمانی در نمازهای خود عقاید خویش را ابراز می کند. در سوره ی مبارکه ی حمد، مجموعه ی اعتقادات دینی مطرح است:

* اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند؛ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

ص: 51

1- مائده / 55.

2- کشاف / ج 1 / ص 505؛ تفسیر کبیر / ج 12 / ص 30.

* اعتقاد به قیامت؛ «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

* اعتقاد به نبوت و رسالت؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

در آغاز نماز اصول اعتقادی خود را بیان می‌کنیم و در پایان نماز علاوه بر اصول اعتقادی اصول مذهب خود را نیز بیان می‌کنیم. در تشهد می‌گوییم: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد»؛ در این جمله ی شریفه کلمه ی «اللهم» نشانگر اعتقاد توحیدی ما مسلمانان است، جمله ی «صلّ علی محمد» نشانگر اعتقاد به رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و جمله ی «و آل محمد» نشانگر اعتقاد به امامت و ولایت ائمه ی معصومین علیهم السلام است.

ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که خداوند به چه علت این همه لطف و کرم نسبت به محمد و آل محمد روا می‌دارد؟ در پاسخ باید گفت: به دلیل این که خداوند عادل است و به پاس خدمات ارزشمند آن‌ها، مقام و منزلت ایشان را بهتر از همه ی انسان‌ها قرار داده و ظرف این پاداش الهی نیز در عالم قیامت است.

41_ نماز عامل تکامل

نماز عامل تکامل انسان است. چون عامل اساسی برای رشد و ترقی و تربیت انسان مسئله ی تشویق و هشدار است. در نماز، انسان‌ها هم

تشویق به رحمت و لطف خدا می شوند؛ «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و هم به آن ها هشدار داده می شود که خداوند مالک روز قیامت است؛ «مالک یوم الدّین».

42_ نماز و اعتقاد به اختیار

در نماز، انسان اختیار خود را نسبت به اعمالش ابراز می دارد و دو عقیده ی باطل را که جبر و تقویض است رد می کند. زیرا عبارت «ایّاک نعبد»؛ خدایا فقط تو را عبادت می کنیم، دلالت دارد بر این که انسان مجبور نیست، بلکه از روی اختیار و شوق و علاقه، خداوند را عبادت می کند. و عبارت: «ایّاک نستعین»؛ خدایا از تو کمک می خواهیم، نیز دلالت بر این نکته دارد که تقویض نیست و خداوند ما را به حال خود رها نکرده است، از این رواج او کمک می خواهیم.

43_ نماز عامل رستگاری

بدون شک و تردید همه ی انسان ها در جستجوی رسیدن به کمال و سعادت هستند، اما در این که کمال و سعادت انسان در چیست؟ گروه زیادی از انسان ها به دلیل عدم اعتقاد به مسائل دینی سعادت خود را در محور مسائل دنیوی و مادی می دانند.

بعضی از افراد، کمال و سعادت خود را در ثروت و مال و امکانات

ص: 53

رفاهی می دانند مانند دنیا طلبان قوم موسی علیه السلام که گفتند: « يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (79)». (1)

بعضی مانند منافقان سعادت خود را در پرتو دوستی و ارتباط با کفار و مشرکان می دانند؛ «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (139)». (2)

گروهی از انسان ها کمال خود را در محدوده ی علوم مادی می دانند؛ «فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ». (3)

برخی از افراد سعادت خود را در ثروت فراوان و جمعیت زیاد می دانند؛ «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا». (4)

بعضی از افراد سعادت و رستگاری خود را در کسب قدرت و برتری بر دیگران می دانند؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى». (5)

از نظر قرآن کریم نماز عامل فلاح و رستگاری است. قرآن کریم می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (9)» (6)؛ رستگاری انسان در پرتو تزکیه نفس و تهذیب روح امکان پذیر است، اما یکی از راه های تزکیه ی نفس که موجب رستگاری انسان می شود، مسئله ی یاد خدا و نماز است، از این رو خداوند می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (15)» (7).

ص: 54

1- قصص / 79.

2- نساء / 139.

3- غافر / 83.

4- كهف / 34.

5- طه / 64.

6- شمس / 9.

7- اعلی / 14 _ 15.

البته سعادت مؤمنان نمازگزار در گرو این مهم است که نسبت به نماز حال خشوع داشته باشند؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».

44_ نماز فرع بر یاد خداوند

از نظر قرآن کریم نماز فرع بر یاد خداست؛ «و ذکر اسم ربّه فصلی»؛ در این آیه نماز متفرع بر یاد خداوند مطرح شده است زیرا تا انسان به یاد خدا نباشد و نور ایمان در دل او نتابد، به نماز نمی ایستد، علاوه بر آن، نمازی ارزشمند است که توأم با یاد خدا و ناشی از آن باشد. (1)

45_ نماز عامل تحصیل خشنودی خداوند

قرآن کریم وقتی سفارش حضرت اسماعیل به خانواده اش را درباره ی نماز و زکات مطرح می کند، می فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (2)؛ از این آیه استفاده می شود که یکی از عوامل مهم و اساسی در تحصیل رضایت الهی، توجه به نماز و زکات است و اگر کسی رضایت حق را جلب کرد به فوز عظیم و به رستگاری بزرگ دست یافته است.

قرآن کریم بعد از آن که نعمت جاویدان بهشت را برای بندگان خاص

ص: 55

1- تفسیر نمونه / ج 26 / ص 403.

2- مریم / 55.

خود بیان می کند می فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (1)، بنا بر این بهترین راه برای این که انسان به مقام رضا و رضوان خدا برسد مسئله نماز است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الصلاة من شرايع الدين وفيها مرضات الرب عز وجل وهي منهاج الانبياء» (2).

46_ اوصاف برجسته ی نمازگزاران

نماز انسان را از صفت حرص و علاقه به دنیا نجات می دهد؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (3). بعد از آن قرآن کریم هشت وصف برای نمازگزاران واقعی بیان می کند:

- 1_ نمازشان را مرتب و همیشه به جا می آورند؛ «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ».
- 2_ در اموال آن ها حق مشخصی برای سائل و محروم است؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ».
- 3_ به قیامت باور دارند؛ «وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ».
- 4_ از عذاب الهی هراسناکند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ *

ص: 56

1- مائده / 119.

2- خصال / ص 522.

3- معارج / 19_ 22.

انّ عذاب ربّهم غير مأمون».

5_ دامان خویش را از بی عفتی حفظ می کنند؛ «و الذّین هم لفروجهم حافظون * الاّ علی ازواجهم ...».

6_ امانت ها و تعهدهای خود را رعایت می کنند؛ «و الذّین هم لأماناتهم و عهدهم راعون».

7_ برای ادای شهادت حق قیام می کنند؛ «و الذّین هم بشهاداتهم قائمون».

8_ نسبت به نماز خود محافظت دارند؛ «و الذّین هم علی صلاتهم یحافظون».(1)

47_ نماز مایه رهایی انسان از علاقه به دنیا

در آیه شریفه، جمله ی «الاّ المصلّین» استثناء از جمله ی «انّ الإنسان خُلِقَ هَلوعاً» می باشد، یعنی انسان ها حریص هستند مگر نمازگزاران و سرّ این که از میان همه ی امتیازات مؤمنان که در آیات بعد ذکر شده تنها نماز را مطرح کرد، برای این است که شرافت و عظمت نماز را برساند که از بهترین اعمال است.

علاوه بر این که نماز اثر روشنی در دفع صفت رذیله حرص دارد چون به طور کلی نماز انسان را از فحشا و منکر و کارهای زشت و اخلاق

ص: 57

ناپسند باز می دارد؛ از جمله اینکه حرص و علاقه‌ی فراوان به دنیا را از بین می برد. (1)

48_ مداومت بر نماز

مقصود از مداومت بر نماز این نیست که نمازگزاران همیشه در حال نماز هستند، بلکه مقصود این است که در اوقات معین نماز را بجا می آورند

و اساساً هر کار خیری زمانی در انسان اثر سازنده دارد که تداوم داشته باشد، از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ان احب الأعمال الی الله مادام وان قل»؛ محبوب ترین اعمال نزد خداوند چیزی است که مداومت داشته باشد هر چند کم باشد.

از بعضی احادیث استفاده می شود که مقصود از تداوم آن است که هر گاه انسان نماز مستحب را بر خود واجب کند همواره به آن ادامه دهد. (2)

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام رسیده است که آیه ی شریفه ی «الذین هم علی صلاتهم دائمون» اشاره به نماز نافله دارد و آیه ی شریفه ی «و الذین هم علی صلاتهم یحافظون»، اشاره به نماز واجب دارد.

ص: 58

1- المیزان / ج 20 / ص 142.

2- تفسیر نمونه / ج 25 / ص 30.

49_ محافظت از نماز

فخر رازی در تفسیرش می گوید: مقصود از مداومت بر نماز این است که انسان نماز را در هیچ زمانی از اوقات ترک نکند و معنای محافظت از نماز این است که نسبت به حال نماز سعی و تلاش داشته باشد که به بهترین وجه انجام دهد، و انجام نماز به بهترین وجه به این صورت است که:

اولاً: منتظر اوقات نماز باشد.

ثانیا: به مقدمات نماز از قبیل طهارت و قبله و مباح بودن لباس و مکان توجه داشته باشد.

ثالثا: نماز را در مسجد و به صورت جماعت به جا آورد.

رابعا: به هنگام نماز حضور قلب داشته باشد و تمام توجه او به خداوند باشد و از ریا و تظاهر پرهیز کند، بنا بر این مداومت بر نماز راجع به کمیت نماز است و محافظت راجع به کیفیت نماز است. (1)

50_ اعتدال در نماز

از نظر اسلام کسی دارای علم و معرفت است که زندگی و برنامه های فردی و اجتماعی او به دور از افراط و تفریط باشد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لا یری الجاهل الا مفراطا او مفرطا»؛ (2) شیوه ی زندگی جاهل

ص: 59

1- تفسیر کبیر / ج 30 / ص 129.

2- بحار 1/159.

بر اساس افراط یا تفریط است.

در اسلام در ابعاد مختلف زندگی به موضوع اعتدال و میانه روی سفارش شده از جمله:

* اعتدال در لباس پوشیدن؛ «و ملبسهم الاقتصاد». (1)

* اعتدال در راه رفتن؛ «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ». (2)

* اعتدال در خوف و رجا؛ «يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا». (3)

* اعتدال در انفاق؛ «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا». (4)

از جمله اموری که باید در آن اعتدال رعایت شود نماز است که در حال نماز انسان صدای خود را نباید زیاد بلند کند و نه خیلی آهسته بخواند. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَوْتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (5)؛ یعنی در نماز صدایت را خیلی بلند نکن و خیلی هم آهسته نخوان، بلکه حدّ وسط را انتخاب کن.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «الجهر بها رفع الصوت و التخافت بها ما لم تسمع نفسك و اقرأ بين ذلك». (6)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: دلیل این که قرآن کریم حد

ص: 60

1- نهج البلاغه / خطبه متین.

2- لقمان / 31.

3- سجده / 16.

4- فرقان / 67.

5- اسراء / 110.

6- نور الثقلین / ج 3 / ص 234.

وسط را «سییل» نامیده، آن است که خداوند خواسته این گونه نماز خواندن در میان همه ی مسلمانان رسم و سنت شود تا همه ی مردم به این طریق نماز بخوانند، البته این در صورتی است که مقصود تک تک نمازها باشد، اما اگر منظور مجموع نمازها باشد، معنای آیه ی شریفه این می شود که در همه ی نمازها جهر نخوان و در همه ی آن ها آهسته نخوان، بلکه راه میانه و اعتدال را انتخاب کن.

بعضی از نمازها مانند نماز صبح و نماز مغرب و عشا را به صورت جهر و بلند بخوان، اما نماز ظهر و عصر را آهسته بخوان. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: این وجه دوم ظاهرتر است. (1)

51_ نماز راه تحصیل استقامت

قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر به استقامت در راه خدا می کند؛ «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (2)، بعد از آن راه تحصیل استقامت را به پیامبر نشان می دهد و آن مسئله ی اقامه ی نماز است، از این رو می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (3)؛ یعنی نماز را در دو طرف روز که اول و آخر روز است و نخستین ساعات شب انجام بده، بنا بر این بهترین راهی که انسان

ص: 61

1- المیزان / ج 13 / ص 378.

2- هود / 112.

3- هود / 114.

می تواند در پرتو آن استقامت در برابر حوادث و مشکلات پیدا کند، مسئله ی نماز است، از این رو در آیات دیگر می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (1)؛ به هنگام مواجه شدن با مشکلات از نماز مدد بگیرید. (2)

52_ نماز راه تحصیل شرح صدر

راه تحصیل شرح صدر و سعه ی صدر در برابر زخم زبان ها و مطالب ناهنجار و نسبت های ناروا و تهمت هایی که به انسان می زنند، مسئله ی نماز است. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (3)، از این آیه دو نکته استفاده می شود:

الف _ بهترین راه برای شرح صدر و تحمل داشتن در برابر مصائب و حوادث تلخ نماز است.

ب _ بهترین ثمره و فائده ی نماز این است که انسان به مرحله ی یقین می رسد؛ «واعبد ربك حتى يأتيك اليقين».

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: مقصود از «ساجدین» نمازگزاران و دستور به نماز خواندن است و اگر نماز را سجده نامیده به دلیل این است که سجده افضل اجزای نماز است. (4)

ص: 62

1- بقره / 45.

2- اقتباس از سخنان آیه الله خزعلی.

3- حجر / 97.

4- المیزان / ج 12 / ص 286.

53_ استعانت از خداوند با نماز

به هنگام مشکلات از خداوند به وسیله ی نماز کمک می خواهیم؛ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»⁽¹⁾، علاوه بر آن خود نماز را نیز به کمک و عنایت او می خوانیم؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، از این رو هنگامی که در نماز می ایستیم در حال قیام می گوئیم: «بحول الله و قوته اقوم واقعد»؛ یعنی خدایا به حول و قوه و کمک تو می ایستم و می نشینم و اصولاً تمام حرکات و سکانات من در پرتو کمک و لطف تو است.

54_ نماز، حضور در برابر خداوند

نماز، حضور انسان در برابر خداوند متعال و سخن گفتن با اوست. اینکه در اسلام به نماز اهمیت بالایی داده شده است، ممکن است به این علت باشد که نماز حضور کامل بنده در برابر مولای حقیقی است. ما در هیچ یک از عبادات مثل نماز در حضور خدا نیستیم؛ مثلاً در روزه، انسان می تواند هم روزه باشد هم با مردم سخن بگوید، یا انسان طواف خانه ی خدا را انجام بدهد و با دیگران هم حرف بزند، اما در نماز در تمام حالات آن، چه قیام چه قعود چه تشهد، انسان حق ندارد با مردم حرف بزند، بلکه باید در تمام احوال نماز فقط با ذات اقدس الهی سخن بگوید.

نکته قابل توجه اینکه انسان در نماز بعد از اعتراف به وحدانیت،

ص: 63

ربوبیت، رحمانیت و مالکیت خداوند، لیاقت پیدا می کند که از غیاب به حضور راه پیدا کند، عبارت «ایاک نعبد و ایاک نستعین»؛ بار خدایا تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم، بر این معنا دلالت می کند.

55_ نماز عبادت موقت

قرآن کریم بعد از آن که موضوع ذکر الهی را بیان می کند، بلافاصله موضوع نماز را مطرح می سازد. با این که ذکر الهی شامل نماز نیز می شود، لیکن به دلیل ارزش و اهمیت، آن را جداگانه بیان می کند؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ ... وَيَصُدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ» (1) و «رَجَالَ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» (2).

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: یک تقابل بسیار زیبا در این آیه مطرح است. چون تجارت یک حرفه و شغل مستمر و بیع یک حرفه و شغل موقت است، همچنین یاد خدا یک عبادت دائم و مستمر و نماز یک عبادت موقت است، بنا بر این معنای آیه ی شریفه این است که مردان الهی کسانی هستند که حرفه و شغل مستمر و موقت، آن ها را از عبادت خدا نه به طور مستمر و نه به طور موقت باز نمی دارد. (3)

ص: 64

1- مائده / 91.

2- نور / 37.

3- المیزان / ج 15 / ص 180.

دلیل این که قرآن کریم بین ذکر خدا و بین اقامه ی نماز و پرداخت زکات مقابله انداخته و تفصیل قائل شده با توجه به این که نماز و زکات از مصادیق ذکر خدایند، این معنا را می فهمانند که مقصود از ذکر الله، ذکر قلبی است که مقابل فراموشی و غفلت از خداوند است و خلاصه مراد از ذکر خدا، ذکر قلبی و مراد از نماز و زکات ذکر عملی است. (1)

57_ بر پا دارنده ی نماز؛ مصلح واقعی

قرآن کریم مصلح واقعی را کسی می داند که علاوه بر تمسک به قرآن کریم، نماز را در جامعه به پا دارد؛ «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (170)». (2)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: اگر خداوند از میان همه ی اجزای دین تنها اقامه ی نماز را بیان کرد به دلیل شرافتی است که نماز بر سایر اجزای دین دارد و به وسیله ی نماز یاد خدا و خضوع در برابر خدا که جان همه ی شرایع دینی است حفظ می شود. (3)

ص: 65

1- المیزان / ج 15 / ص 180.

2- اعراف / 170.

3- المیزان / ج 8 / ص 440.

58_ نماز مظهر ستایش و نیایش

در نماز، خداوند را با جمله ی «الحمد لله رب العالمین» ستایش و با جمله ی «اهدنا الصراط المستقیم» نیایش می کنیم، و نیایش یک مرحله بالاتر از ستایش است.

توضیح این که: ستایش مربوط به کمالات و زیبایی هاست و چون خداوند کمال مطلق است و دارای تمام زیبایی هاست، او را ستایش می کنیم. در نیایش آن کمالات و اوصاف زیبای خداوند را مسئلت می کنیم. (1)

در دو مورد در نماز نیایش به کار رفته است: در آغاز نماز می گوئیم: «اهدنا الصراط المستقیم» و در پایان نماز می گوئیم: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد».

59_ نماز هم قرائت قرآن است، هم دعا

در نماز هم قرآن کریم را که سوره ی مبارکه ی حمد است تلاوت می کنیم؛ «لا یقبل الله الصلوة الا بقرآن» (2) و هم در نماز دعا می کنیم و از خداوند طلب هدایت می کنیم؛ «اهدنا الصراط المستقیم».

ص: 66

1- اقتباس از سخنان آقای الهی قمشه ای.

2- بحار / ج 65 / ص 235.

قرآن کریم یکی از اوصاف برجسته ی مؤمنان را خشوع در نماز معرفی می کند؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (1)، چه این که در جای دیگر می فرماید: نماز بسیار سنگین است مگر بر خاشعان؛ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (2)، بنا بر این اگر انسان نماز خود را با عشق و علاقه به جا آورد، نشانه ی خشوع او نسبت به نماز است و اگر با کراهت و بی میلی انجام دهد دلیل بر عدم خشوع است.

خشوع و خضوع از نظر معنا قریب به یکدیگرند، منتها خضوع در تواضع بدن به کار می رود و خشوع در تواضع چشم و صدا به کار رفته، چه این که در تواضع قلبی نیز به کار می رود؛ «وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ» (3) و «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ» (4) و «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (5).

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: کلمه ی خشوع به معنای تأثیر خاصی است که به افراد مقهور دست می دهد؛ افرادی که در برابر سلطانی قاهر قرار می گیرند، تمام توجه آنان به آن شخص بزرگ

ص: 67

1- مؤمنون / 1_2.

2- بقره / 45.

3- طه / 108.

4- قلم / 43.

5- حدید / 16.

معطوف و از جای دیگر منقطع می شود.

ظاهراً این حالت حالتی است درونی که به نوعی عنایت به اعضا و جوارح نیز نسبت داده می شود مانند: آن کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طوری که روایت شده در باره ی شخصی که در نماز با ریش خود بازی می کرد، حضرت فرمودند: اگر در دل او خشوع بود، جوارح او نیز خشوع پیدا می کرد؛ «لو خشعت قلبه لخشعت جوارحه» (1).

61_ نماز مانع گواهی دادن به دروغ

قرآن کریم می فرماید: هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد باید به هنگام وصیت کردن دو نفر از افراد عادل را به گواهی بطلبید و اموال خود را به عنوان امانت برای تحویل به ورثه به آن ها بسپارید که این دو نفر عادل هم وصی هستند، هم گواه؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ...» (2)، بعد می فرماید: این ادای شهادت و گواهی آن دو نفر باید بعد از نماز بوده باشد؛ «من بعد الصلوة» انتخاب این کار بعد از ادای فریضه ی نماز به دلیل آن است که روح خداترسی و توجه به خدا در آنان ایجاد شود، مبادا خلاف گواهی بدهند. چون گواهان باید قسم بخورند که ما حاضر نیستیم حق را به منافع مادی بفروشیم هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد؛

ص: 68

1- مجمع البیان / ج 7 / ص 157.

2- مائده / 106.

«فیقسمان بالله ان ارتبتم لا- نشتری به ثمناً قليلاً و لو كان ذا قری»»، بنابراین احاله این موضوع به زمان پس از نماز برای آن است که هنگام قسم خوردن کسانی که هم وصی هستند هم گواه، از دروغ و مانند آن پرهیز کنند. (1)

62_ نماز برنامه ی دائمی پرهیزکاران

قرآن کریم در بیان اوصاف متقین بعد از اصل ایمان مهم ترین اصل عملی را مسئله ی اقامه ی نماز مطرح می کند و می فرماید: « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ » (2)، جالب این که برگزاری نماز باید یک امر دائمی باشد نه موسمی و مقطعی. چون فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد. (3)

63_ دوری از رذایل و تزین به فضایل، معیار قبولی نماز

از نظر اسلام در صورتی نماز انسان به درگاه خداوند پذیرفته می شود که علاوه بر دوری از رذایل و گناهان، انسان به فضایل اخلاقی مزین شود، البته مرتبه ی بالای قبولی، نیازمند به کسب فضایل است. قرآن کریم می فرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ». (4)

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: هر کس دوست دارد بداند نمازش

ص: 69

1- تفسیر کبیر / ج 12 / ص 125.

2- بقره / 3.

3- نور / ج 1 / ص 45.

4- عنکبوت / 45.

پذیرفته شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه باز داشته یا نه، پس به هر اندازه که نماز او را از گناه باز داشته به همان مقدار نمازش پذیرفته می شود؛ «من أحبَّ ان يعلم اقبلت صلوته ام لم تقبل فلينظر هل منعه صلاته عن الفحشاء والمنكر فبقدر ما منعه قُبلت منه».(1)

و نیز می فرماید: خداوند فرموده من نماز شخصی را می پذیرم که در برابر عظمت من خاضع و متواضع باشد، علاوه بر آن از خواسته های نفسانی پرهیز کند و روز خود را به یاد من باشد و بر انسان ها فخر فروشی نکند، به گرسنه غذا بدهد و برهنه را بپوشاند و به مصیبت زده مهربانی کند و به غریب پناه دهد؛ «اتّما اقبل الصلوة لمن يتواضع لعظمتي و يكفّ نفسه عن الشهوات من اجلى و يقطع نهارة بذكرى و لا يتعاضم على خلقى و يطعم الجائع و يكسو العارى و يرحم المصاب و يوؤى الغريب».(2)

64_ شباهت های نماز با قرآن کریم

نماز شباهت های مختلفی با قرآن کریم دارد از جمله:

الف_ هر دو شفای دردهای روحی است.

نماز: «فاتحة الكتاب شفاء من كل داء».(3)

قرآن: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ».(4)

ص: 70

1- بحار / ج 82 / ص 198.

2- بحار / ج 84 / ص 242.

3- مجمع البيان / ج 1 / ص 87.

4- اسراء / 82.

ب _ تماس با هر دو باید با طهارت باشد.

نماز: « إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ » (1).

قرآن: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ».

ج _ هر دو نور الهی هستند.

نماز: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصلوة نور المؤمن و الصلوة نور من الله» (2).

قرآن: «فَدَجَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (3).

د _ هر دو ذکر الهی هستند.

نماز: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» (4).

قرآن: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

جالب این که در پرتو هر دو آرامش قلب حاصل می شود؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (5) و اعراض از هر دو معیشت سختی را به همراه دارد؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (6).

ه _ هر دو موجب رحمت و لطف خداوند است.

نماز: حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الصلوة تستنزل الرحمة» (7).

قرآن: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ» (8).

ص: 71

1- مائده / 6.

2- مستدرک / ج 3 / ص 92.

3- مائده / 51.

4- طه / 14.

5- رعد / 28.

6- طه / 124.

7- غرر الحکم / 2214.

8- اسراء / 82.

65_ شباهت های نماز و حضرت علی علیه السلام

الف _ هر دو ذکر الهی هستند:

در ذیل آیه ی «وَأَعِيْنُهُمْ فِي غَطَاءٍ عَن ذِكْرِي» (1) روایتی است که می فرماید: مقصود از ذکر حضرت علی علیه السلام است (2) و «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (3).

ب _ از هر دو به هنگام مشکلات می توان استمداد نمود؛

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (4) و در حدیث داریم که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «اذا نزلت بكم شديدة فاستعينوا بنا على الله عز وجل» (5)؛ به هنگام مواجه شدن با مشکلات از ما امامان کمک بخواهید.

ج _ هر دو ستون دین اسلام هستند؛

«على عمود الدين» (6) و «الصلوة عمود دينكم» (7).

د _ هر دو معیار و میزان سنجش اعمال هستند؛

«السلام عليك يا ميزان الاعمال» (8) و «الصلوة ميزان» (9).

ه _ هر دو مایه ی پذیرفتن اعمال هستند؛

«لا يقبل الله من عبد حسنة حتى يسأله عن حبِّ علي عليه السلام» (10) و «اول

ص: 72

1- كهف / 101.

2- نور / ج 7 / ص 229.

3- طه / 14.

4- بقره / 45.

5- بحار / ج 94 / ص 5.

6- کافی / ج 1 / ص 294.

7- بحار / ج 82 / ص 209.

8- زیارت نامه ی امام علی / مفاتیح الجنان.

9- بحار / ج 84 / ص 264.

10- بحار / ج 16 / ص 318.

ما يحاسب به العبد الصلاة ان قبلت قبل ما سويها» (1).

و_ هر دو دژ محکم خداوند هستند؛

«ولاية علي ابن ابي طالب حصني فمن دخل حصني آمن من عذابي» وقال علي عليه السلام: «الصلاة حصن من سطوات الشيطان» (2).

ز_ نماز با معرفت و زیارت با معرفت آن حضرت مایه ی آمرزش الهی است؛

«من اتى الصلاة عارفا بحقها غفر له» (3) و در روایت است که زیارت با معرفت امام علی علیه السلام موجب مغفرت است.

ح_ نماز و محبت به حضرت علی علیه السلام ایمان، و ترک هر دو مایه ی کفر است؛

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «علي حبه ايمان و بغضه كفر» (4) وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بين الايمان و الكفر ترك الصلوة» (5).

ط_ حضرت علی علیه السلام جامع همه ی کمالات است (احسان، صبر، علم، اخلاص، شجاعت و...) نماز نیز جامع همه ی کمالات است (طهارت، نظم، عدالت و...).

ی_ هر دو رکن اسلام هستند؛

«بنی الاسلام علی خمس علی الصلوة ... و الولاية» (6).

ص: 73

1- کافی / ج 3 / ص 268.

2- غرر الحکم / 2212.

3- خصال / ج 2 / ص 628.

4- سفینه / ج 2 / ص 21.

5- کنز العمال / ص 18869 پ.

6- وسائل / 1 / 5.

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ * فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (239)» (1)؛ یعنی در انجام همه ی نمازها مخصوصاً نماز وسطی (نماز ظهر) تلاش و کوشش کنید و محافظت کنید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا به پا خیزید، و اگر به دلیل جنگ یا خطر دیگری بترسید، نماز را در حال پیاده یا سواره انجام دهید، اما به هنگامی که امنیت خود را باز یافتید، خداوند را یاد کنید و نماز را به صورت متعارف بخوانید.

در شأن نزول این آیات آمده است: گروهی از منافقان گرمی هوا را بهانه ای برای عدم شرکت در نماز جماعت قرار داده بودند و از شرکت در نماز جماعت خودداری می کردند، از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شدیداً ناراحت شدند و آنان را تهدید به مجازات نمودند. زید بن ثابت نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گرمای زیاد و فوق العاده، نماز ظهر را به جماعت به جای می آورد و این کار برای یاران او بسیار سنگین بود، از این رو این آیه ی شریفه نازل شد و اهمیت نماز را به طور کلی و نماز ظهر را به طور خاص مورد توجه قرار داد. (2)

حفاظت از باب مفاعله است، پس طرفینی است مانند مخاصمه و مقاتله. در اینجا چگونه محافظت بر نماز به صورت طرفینی تحقق می یابد؟

ص: 74

1- بقره / 238_ 239.

2- تفسیر نمونه / ج 2 / ص 146.

پاسخ: یا محافظت بین انسان و خداوند است؛ یعنی «احفظ الصلاة ليحفظك الله» یا محافظت بین نمازگزار و خود نماز است، و حفظ نماز به یکی از سه شکل است:

الف _ نماز انسان را از زشتی ها باز می دارد؛ «ان الصلاة تنهي عن الفحشاء والمنكر» (1).

ب _ نماز انسان را از بلاها و مصایب نگه می دارد؛ «واستعينوا بالصبر والصلوة» (2).

ج _ نماز چون مشتمل بر قرآن است و کسی که محافظت بر نماز و قرآن داشته باشد روز قیامت مورد شفاعت قرآن قرار می گیرد.

67_ تأکید بر حفاظت از نماز وسطی

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: در این که منظور از نماز وسطی چیست شش احتمال ذکر شده است: نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشا، جمعه و اختلاف آن به دلیل اختلاف روایات است. مشهور بین فقها این است که مقصود از «صلاة وسطی» نماز ظهر است (3).

شواهد ثابت می کند که منظور نماز ظهر است به دلیل این که اولاً: نماز ظهر در وسط روز اقامه می گردد. ثانياً: شأن نزول آیات شریفه

ص: 75

1- عنكبوت / 45.

2- بقره / 45.

3- المیزان 2 / ص 367.

گواهی می دهد که مقصود نماز ظهر است. ثالثاً: روایاتی مخصوص در این زمینه وارد شده است.

نماز آن قدر دارای اهمیت است که در هیچ حالی از انسان ساقط نیست، حتی در صحنه ی جنگ، از این رو می فرماید: به هنگام ترس از دشمن نماز را در حال پیاده یا سواره بجا آورید.

«رجال» جمع «راجل» یعنی پیاده و «رُکبان» جمع «راکب» یعنی سواره؛ «فان خفتم فرجالاً اوركباناً». نماز را در هر حال به جا آورید و به هنگام جنگ طبعاً رو به قبله بودن و انجام رکوع و سجود به طور متعارف شرط نیست و می توان با اشاره انجام داد.

چنان که نقل شده امیر المؤمنین علیه السلام در بعضی جنگ ها دستور می داد که در هنگام جنگ با اشاره نماز بخوانند.

در حدیث دیگری وارد شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب با اشاره نماز خواندند؛ «انّ النبیّ صلی یوم الاحزاب ایما».

امام کاظم علیه السلام در مقام پاسخ به سؤالی فرمودند: اگر انسان گرفتار حیوان درنده ای شد و نتوانست کوچک ترین حرکتی از خود نشان دهد و وقت نماز هم تنگ شده، انسان می تواند با همان وضعی که دارد نماز بخواند گرچه پشت به قبله باشد و این نماز همان نماز خوف است که فقهای بزرگوار پیرامون آن مباحثی را مطرح کرده اند. (1)

ص: 76

68_ نماز و خضوع در برابر خداوند

لازم است انسان نماز را برای خداوند از روی اطاعت و بندگی انجام دهد. «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (238)» (1)

زیرا «قنوت» به معنای خضوع در اطاعت است، بنا بر این اگر حرکت و عمل انسان برای خداوند خالی از خضوع در برابر او باشد فاقد ارزش است. (2)

69_ آثار و برکات نماز

از نظر قرآن کریم هر عبادتی اثر خاص و ویژه ای دارد. مثلاً اثر روزه آن است که انسان پرهیزکار می شود؛ «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (183)» (3)

اثر زکات و صدقه واجب آن است که روح انسان پاک و پاکیزه از محبت به مادیات می شود؛ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (4)

اثر نماز آن است که انسان را از فساد و فحشا باز می دارد؛ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (5)

اثر حج آن است که انسان از مواهب مادی و معنوی حج بهره برداری

ص: 77

1- بقره / 238.

2- تفسیر راهنما / ج 2 / ص 156.

3- بقره / 183.

4- توبه / 103.

5- عنکبوت / 45.

می کند؛ «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (1).

در این جا این سؤال مطرح است که چرا بسیاری از کسانی که نماز می خوانند در عین حال مرتکب گناه و معصیت می شوند مگر نماز انسان را از گناه باز نمی دارد؟

پاسخ: نماز به طور طبیعی اقتضای ترک گناه و معصیت را دارد نه این که علت ترک معصیت باشد، به تعبیر دیگر نماز و اذکار و کلمات آن مانند خود قرآن کریم است که مردم را دعوت به ترک گناه می کند؛ یعنی نهی نماز مانند نهی قرآن تشریحی است نه این که تکوینی باشد و به صورت جبر انسان را از گناه باز دارد، بلکه زمینه ی ترک گناه را فراهم می کند. (2)

نهی نماز از فحشا و منکر از نهی خود خداوند بالاتر نیست. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (3)؛ با این که خداوند مردم را از فساد و گناه نهی می کند، در عین حال برخی از مردم مرتکب اعمال زشت می شوند، بنا بر این از آنجا که نماز ذکر خداست؛ «اقم الصلوة لذكركم»، ایمان به خدا و ایمان به معاد و عالم قیامت انسان را از گناه باز می دارد. ایمان به روز جزا همانگونه که در نماز اعتراف می کنیم، خداوند مالک روز قیامت است،

ص: 78

1- حج / 27.

2- المیزان / ج 16 / ص 209.

3- نحل / 90.

ایمان به روز حساب و کتاب است و این ایمان باعث می شود که انسان در کارهای حساب و کتاب داشته باشد و مرتکب زشتی ها نشود.

70_ نماز یاد الهی

قرآن کریم به دنبال آیه ی شریفه ی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» می فرماید؛ «و لذكر الله أكبر»؛ مقصود از این آیه این نیست که ذکر خدا از نماز بزرگ تر است. زیرا نماز خودش ذکر خداست و هیچ چیزی بزرگ تر از خودش نمی شود، بلکه مراد آن است که یاد کردن خداوند بزرگ تر و مهم تر است (با اضافه مصدر به فاعل).

از این رو در حدیثی امام باقر علیه السلام می فرماید: «فی قوله تعالى و لذكر الله أكبر، ذکر الله لاهل الصلوة أكبر من ذکرهم اياه الا ترى انه يقول: اذکرونی اذکرکم»(1)، به تعبیر دیگر خداوند بزرگ ترین و بهترین ذاکر و مذکور است؛ «یا خیر ذاکر و مذکور». خداوند یادکننده ی بزرگی است. زیرا بندگانش را با لطف و رأفت و مرحمت یاد می کند و یادشونده بزرگی هم هست، زیرا بندگان صالح و شایسته، خداوند را در جان و روح خود یاد می کنند.

مرحوم طبرسی می فرماید: در آیه ی شریفه ی «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» دلالت روشنی است که انجام نماز لطف پروردگار بر

ص: 79

انسان است چون موجب می شود تا فعل زشت و معصیت که نه عقل جایز می داند و نه شرع آن را مرتکب نشود. (1)

حضرت رضا علیه السلام به قسمتی از آثار و برکات نماز اشاره نمودند:

الف _ نماز اقرار به خداوندی خداوند و دل کندن از غیر خداست؛ «انها اقرار بالربوبية لله عزّ و جلّ و خلع الانداد».

ب _ نماز قیام و ایستادن در محضر خداوند با فروتنی و وقار است؛ «و قیام بین یدی الجبار جلّ جلاله بالندلّ و المسکنة و الخضوع و الاعتراف».

ج _ نماز اعتراف به خطاها و گناهان گذشته و طلب بخشش و رحمت از خداوند است؛ «و الطلب للاقالة من سالف الذنوب».

د _ نماز سجده و تعظیم در برابر عظمت و بزرگی خداوند با گذاشتن پیشانی بر زمین است؛ «و وضع الوجه على الأرض كل يوم اعظاما لله عزّ و جلّ».

ه _ نماز به یاد خداوند بودن و به یاد خالق نظام هستی بودن است که انسان مبادا نعمت های خدا را فراموش کند؛ «و ان یکون ذاکرا غیر ناس».

و _ نماز با حالت فروتنی و خشوع باعث طلب زیادی در دین و دنیای حلال است؛ «و یکون خاشعا متذللاً راغبا طالبا للزیادة فی الدین و الدنیا»، البته در صورتی که انسان مداومت بر نماز و یاد خدا داشته باشد؛

ص: 80

«مع ما فيه من الايجاب و المداومة على ذكر الله عزّ و جلّ بالليل و النهار».

ز_ نماز یاد خداوند است در شبانه روز، برای این که انسان خالق و آفریدگار جهان هستی را فراموش نکند و مبدا به دلیل فراموشی خدا دست به گناه و طغیان بزند؛ «لئلا ينسى العبد سيده و مدبّره و خالقه فيبتر و يطغى و يكون في ذكره لربّه».

ح_ نماز باعث دوری از گناهان و مفسد می شود؛ «و قیامه بین یدیّه زجرا له عن المعاصی و مانعا له عن انواع الفساد».(1)

71_ استخفاف به نماز

قرآن کریم در باره ی نماز عناوین مختلفی را بیان کرده است: مداومت بر نماز، محافظت از نماز و ضایع ساختن نماز. مداومت بر نماز به این معنا است که انسان نماز خودش را هیچ گاه ترک نکند. منظور از محافظت این است که در انجام مقدمات نماز از قبیل طهارت و مباح بودن لباس و مکان مقید باشد که مبدا غصبی باشد، علاوه بر آن نماز را در اول وقت و در وقت فضیلتش به جا بیاورد.

حضرت صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «ما من عبد اهتم بمواقیت الصلوة و مواضع الشمس الاّ ضمنت له الروح عند الموت و انقطاع الهموم و الاحزان و النجاة من النار»؛ من ضامن می شوم هر انسانی که به

ص: 81

اوقات نمازش اهمیت بدهد، اولاً: به هنگام مرگ شادمان و خوشحال و مسرور باشد. ثانياً: غم و غصه در زندگی برای او پیش نیاید. ثالثاً: از عذاب الهی نجات پیدا کند.⁽¹⁾

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «اول ما يحاسب به العبد الصلاة فان قبلت قبل ما سويها ان الصلاة اذا ارتفعت في وقتها رجعت الى صاحبها و هي بيضاء مشرقة تقول حفظتني حفظك الله»⁽²⁾؛ یعنی اول چیزی که انسان برای آن مورد محاسبه ی الهی قرار می گیرد، نماز است که با قبولی نماز سایر اعمال پذیرفته می شود و هرگاه نماز در وقتش به جا آورده شود، نماز در عالم معنا به صورت نوری مجسم می شود و خطاب به انسان می گوید: مرا حفظ کردی، خداوند تو را حفظ کند. اما اگر نماز در غیر وقتش خوانده شود این نماز به صورت یک سیاهی مجسم می شود و می گوید: مرا ضایع کردی، خداوند تو را ضایع کند.

عنوان سومی که در قرآن کریم است، «اضاعه صلوة» است؛ «اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا»⁽³⁾. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای کسی که نسبت به نماز استخفاف و حالت سهل انگاری داشته باشد 15 عقوبت را بیان فرمودند: برکت از عمرش می رود، برکت از رزق و مالش

ص: 82

1- سفینة / ج 1 / ص 150.

2- بحار / ج 83 / ص 9.

3- مریم / 59.

می رود، کم آبرو یا بی آبرو می شود، کارهای خیرش قبول نمی شود، دعایش مستجاب نمی شود، از دعای افراد صالح بهره ای نمی برد.

گرسنه و تشنه و ذلیل از دنیا می رود، فشار قبر دارد، قبر او تاریک است و تا قیامت در عذاب به سر می برد.

خداوند به او نظر رحمت نمی کند، از او محاسبه ی شدید می شود و در آتش جهنم افکنده خواهد شد. (1)

72_ برخورد منفی با نماز

قرآن کریم برخورد مخالفان نماز را به صورت های مختلفی بیان کرده است:

الف_ بعضی اصلاً نماز نمی خوانند؛ «فلا صدق و لا صلی». (2)

کفار علاوه بر این که نماز را ترک می کنند، هنگامی هم که به سوی نماز دعوت می شوند، نماز را مسخره می کنند؛ «و اذا نادیتم الی الصلوة اتخذوها هزوا» (3)، بنا بر این برخی نماز را ترک می کنند.

ب_ بعضی هم مانند بنی اسرائیل نماز را ضایع می سازند. قرآن کریم می فرماید: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات». (4)

ج_ برخی هم مانند منافقان نماز را با کسالت و بی نشاطی می خوانند؛

ص: 83

1- سفینه البحار / ج 5 / ص 151.

2- قیامت / 31.

3- مائده / 58.

4- مریم / 59.

« وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى ». (1)

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «لا تقم الى الصلاة متكاسلاً و لا متناعسا و لا متثاقلاً فانها من خلل النفاق» (2)؛ یعنی مبدا نماز را با حالت کسالت و حالت چرت و سنگینی بخوانی که این طور نمازی از روزه های نفاق است.

همچنین می فرماید: «لا تتهاون بصلاتك فانّ النبي قال عند موته ليس مني من استخفّ بالصلوة»؛ یعنی نسبت به نماز سستی به خرج ندهید و نماز را سبک نشمارید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام رحلت خود فرمودند: کسی که نماز را سبک بشمارد از من نیست. (3)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودند اذا دخل رجل فقام يصلي فلم يتم ركوعه و لا سجوده فقال: «نقر كنقر الغراب لئن مات هذا و هكذا صلواته ليموتنّ على غير ديني»؛ این شخصی که نمازش را همانند کلاغی که نوک بر زمین می زند و بر می دارد انجام داد اگر به همین حال از دنیا برود به دین من از دنیا نرفته است. (4)

ص: 84

1- نساء / 142.

2- تفسیر عیاشی / ج 1 / ص 137.

3- وسائل / ج 3 / ص 15.

4- محجة البيضاء / ج 1 / ص 340.

از نظر قرآن کریم بزرگ ترین مانع و مهم ترین عامل باز دارنده از نماز، شراب و قمار شمرده شده است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ» (1)؛ یعنی شیطان می خواهد به وسیله ی شراب و قمار بین شما دشمنی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد.

در روایات بعضی از عوامل که مانع قبولی نماز است بیان شده و باید سعی و تلاش کرد که این اعمال ناپسند انجام نشود تا نماز انسان در درگاه الهی پذیرفته شود:

الف_ غیبت نمودن از مسلمان؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من اغتاب مسلماً او مسلمة لم يقبل الله صلاته و لا صيامه اربعین يوماً و ليلة الا ان يغفر له صاحبه»؛ کسی که از مسلمانی غیبت کند، تا چهل روز نماز و روزه اش در درگاه الهی پذیرفته نخواهد شد مگر این که آن طرف این شخص غیبت کننده را حلال کند. (2)

ب_ پرداخت نکردن زکات؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا يقبل الله عزّ و جلّ صلاة رجل لا يؤدي الزكاة». (3)

ص: 85

1- مائده / 91.

2- جامع الاخبار / ص 412.

3- حلیة الاولیاء / ج 9 / ص 250.

ج_ نگاه قهرآمیز به پدر و مادر؛

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «من نظر الی ابویه نظر ماقت و هما ظالمان له لم یقبل الله له صلاة»(1)؛ کسی که با عصبانیت و تندی و حالت غضب به پدر و مادر خود نگاه کند، گرچه پدر و مادر به او ظلم کرده باشند، نمازش پذیرفته نخواهد شد.

د_ حق الناس؛

اگر حق مردم به عهده ی انسان است و انسان حق مردم را پرداخت نمی کند، این نپرداختن حق مردم مانع قبولی نماز است.(2)

ه_ ارتزاق از مال حرام؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من أكل لقمة حرام لم تقبل له صلاة اربعین لیلة».(3)

74_ نماز و آغاز به نام خداوند

بهترین عمل نماز است؛ امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «اللّٰهُ اللّٰهُ فی الصلوة فانّها خیر العمل»(4) و با بهترین نام خداوند (الله) شروع می شود؛ «بسم الله الرحمن الرحیم». کلمه ی «الله» جامع ترین نام خداوند است. این نام مبارک 2697 بار در قرآن کریم مطرح شده است.

ص: 86

1- کافی / 2 / ص 349.

2- تنبیه الخواطر / ج 1 / ص 53.

3- سفینة / ج 1 / ص 24.

4- کافی / ج 7 / ص 52.

تفاوت کلمه ی «اللّه» با «اله» این است که «اله» بر هر معبودی که عبادت کنندگان او را پرستش کنند اطلاق می شود حق باشد یا باطل. قرآن کریم می فرماید: «لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ» (1) و «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (2) و «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِإِلَهَتِنَا» (3). لکن کلمه ی مقدس «الله» فقط بر خداوند متعال اطلاق می شود. چون جامع همه ی صفات جلال و جمال خداوند است و این معنا بر غیر او اطلاق نمی شود. (4)

75_ ادب ورود در نماز

سوره ی مبارکه ی حمد که اولین سوره ی قرآن کریم است، با آیه ی کریمه ی «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می شود. «بسم الله» هم در آغاز سوره و هم در آغاز کتاب الهی آمده است و خداوند با این کار ادب دینی ورود به کار و شروع عمل را به ما می آموزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کاری که با نام خداوند آغاز نگردد، ابتر است؛ «کل امر ذی بال لم یذکر فیه بسم الله فهو ابتر» (5)، ابتر به معنای منقطع الاخر و بی فرجام است.

«بسم الله» نه تنها سرآغاز کتاب الهی است، بلکه سرآغاز همه ی کتب آسمانی بوده است. در حدیث است: «ما أنزل الله من السماء کتاباً الاّ

ص: 87

1- نحل / 51.

2- فرقان / 43.

3- انبیاء / 62.

4- تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 279.

5- بحار 76/305.

وفاتحتہ بسم الله الرحمن الرحيم». شروع هر کار با نام خدا روش همه ی انبیای الهی بوده، از این رو وقتی کشتی نوحدر میان امواج طوفان به راه افتاد حضرت نوح علیه السلام به یاران خویش گفت: سوار شوید که حرکت و توقف این کشتی به نام خداست؛ «وَقَالَ اٰزْكُبُوْا فِيْهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰهَا وَمُرْسٰهَا» (1). حضرت سلیمان علیه السلام نیز هنگامی که ملکه ی سبا را به ایمان دعوت کرد، دعوتنامه ی خود را با نام الهی «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کرد. (2)

شروع به نام خدا مایه ی برکت کار می شود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «بسم الله» مایه ی برکت کارهاست، همچنین در روایت است که وقتی شخصی «بسم الله» را می نوشت فرمود: «جودها»؛ آن را نیکو بنویس. (3)

76_ قداست نام خداوند

نماز با مقدس ترین نام خداوند شروع می شود؛ «بسم الله الرحمن الرحيم». «بسم الله» نشانه ی قداست کار است.

«بسم الله» بیانگر جهت گیری اعتقاد انسان به خداوند متعال است.

«بسم الله» نشانه ی توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند است.

«بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز اولین قدم بندگی و عبودیت انسان است. و نشانه ی ضعف انسان در برابر خدا و نیاز انسان به کمک

ص: 88

1- هود / 41.

2- نمل / 30؛ تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 296.

3- کنز العمال / حدیث 29558.

الهی است. چون کلمه ی «باء» به معنای استعانت است؛ یعنی از خداوندی که جامع همه ی کمالات است و دارای رحمت واسعه است کمک می طلبیم.

از نظر قرآن کریم هر انسانی در برابر نام مقدس خداوند دو وظیفه دارد:

وظیفه ی اول تسبیح نام خداست؛ «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى». همان گونه که ذات اقدس خداوند منزّه از عیب و نقص است و ما باید هر نقصی را از او سلب کنیم، نام مقدس او را نیز باید تسبیح و تقدیس کنیم و یکی از مراتب تسبیح و تنزیه نام خدا آن است که نام هیچ کس را نباید در ردیف نام مبارک او ذکر کرد، از این رو بعضی می گویند: اول خدا بعد فلانی؛ این سخن باطلی است. (1)

در روایت دارد که وقتی آیه ی شریفه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (74)» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن را در رکوع خود قرار دهید؛ «اجعلوها فی رکوعکم»، (سبحان ربی العظیم و بحمده). وقتی آیه ی «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» نازل شد فرمود: «اجعلوها فی سجودکم»، (سبحان ربی الاعلی و بحمده).

وظیفه ی دوم این است که انسان ها نام خدا را مبارک بدانند و از آن تبرک بجویند؛ «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (78)» (2).

ص: 89

1- تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 301

2- الرحمن / 78.

77_ نماز جلوه ی رحمت خداوند

هر انسان نمازگزاری حدّ اقل در شبانه روز در نمازهای واجب سی بار رحمت خداوند را متذکر می گردد. زیرا بیست بار جمله ی «بسم الله الرحمن الرحیم» و ده بار جمله ی «الرحمن الرحیم» را در نماز می خواند؛ اگر هر انسانی با توجه این جملات را بگوید، یقیناً رحمت الهی در روح او متجلی می گردد و انسان مظهر رحمت خداوند می گردد و به مردم رحم می کند و اگر همه به یکدیگر رحم کنند، تمام مفاسد و مشکلات از بین می رود.

نکته ی قابل توجه این که تفاوت «رحمن» با «رحیم» در آن است که «رحمن» صیغه ی مبالغه است و دلالت بر کثرت رحمت می کند و «رحیم» صفت مشبّه است و دلالت بر ثبات و دوام رحمت حق دارد.

78_ یاد قیامت در نماز

یکی از مسایل مهمی که در نماز مطرح است، یاد قیامت است. وقتی در نماز می گوئیم: «مالک یوم الدین»، اقرار به مالکیت خداوند در قیامت می کنیم که در روز قیامت به حساب و کتاب همه ی انسان ها رسیدگی می شود. گرچه مسئله ی مالکیت خداوند منحصر به قیامت نیست. خداوند مالک دنیا نیز هست، اما در قیامت برای انسان روشن می شود که مالک حقیقی خداوند متعال است و به تعبیر دیگر ظرف ظهور مالکیت

خداوند قیامت است؛ «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (16)». (1)

امام سجاده علیه السلام وقتی در نماز به جمله ی «مالک یوم الدین» می رسید، آن قدر این آیه را تکرار می کرد که نزدیک بود جان به جان آفرین تسلیم کند؛ «کان اذا قرء مالک یوم الدین یکررها حتی کان أن یموت». (2)

79_ نماز و طلب هدایت

یکی از مسائل بسیار مهمی که در نماز از خداوند طلب می کنیم، طلب هدایت به صراط مستقیم است؛ «اهدنا الصراط المستقیم». «صراط مستقیم» یعنی راه روشن و راهی که منزّه از افراط و تفریط است.

الف _ «صراط مستقیم» راه خداوند است؛ «هذا صراط ربّک مستقیما». (3)

ب _ «صراط مستقیم» راه رسالت پیامبر اکرم است؛ «یس * و القرآن الحکیم * انک لمن المرسلین * علی صراط مستقیم». (4)

ج _ «صراط مستقیم» راه انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین است. در نماز می خوانیم «اهدنا الصراط المستقیم»، صراط مستقیم را قرآن در آیه ی بعد توضیح داده است؛ «صراط الذّین أنعمت علیهم...».

ص: 91

1- غافر / 16.

2- بحار / ج 84 / ص 247.

3- انعام / 126.

4- یس / 1_ 3.

و کسانی که خداوند به آن ها نعمت داده عبارتند از انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین که آن ها را این چنین معرفی می کند؛ «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (69)».(1)

د _ «صراط مستقیم» راه امامت است. در زیارت جامعه خطاب به امامان معصوم علیهم السلام می خوانیم: «من اعتصم بکم فقد اعتصم بالله»؛ هر کس به شما متوسل شود به خداوند متوسل شده است. قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (101)»(2)، بنا بر این از ضمیمه نمودن آن فراز زیارت جامعه و آیه ی شریفه، روشن می شود که هر کس به امامان معصوم علیهم السلام متوسل شود به صراط مستقیم راه پیدا کرده است.

حالا این صراط مستقیم که راه خدا و انبیا و اولیا و صدیقین و شهداست، چه راهی است که مردم در نماز به دنبال آن هستند؟

از آیه ی شریفه ی «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (51)»(3)، استفاده می شود که صراط مستقیم راه بندگی خدا است. نه این که انسان بنده ی هوا و هوس خود باشد، نه این که انسان بنده ی هوا و هوس طاغوت ها باشد یا بنده ی هوا و هوس مردم باشد.

ص: 92

1- نساء / 69.

2- آل عمران / 101.

3- آل عمران / 51.

راه خدا و راه بندگی خدا یک راه ثابت و پایدار است، اما راهی که انسان از دیگران انتخاب کند همیشه در حال تغییر و تحول است؛ «اهدنا الصراط المستقیم».

«مستقیم» یعنی ثابت و پایدار و دارای قوام. نکته ی جالب این که اگر کسی صراط مستقیم و راه پایدار را ادامه داد خود این رونده هم دارای ثبات و استقامت می شود، از این رو قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (13)» (1). اگر کسی معتقد به خدا و قیامت بود و تمام کارهای او برای خدا بود، خود او صراط مستقیم می شود؛ «نحن الصراط المستقیم» (2).

80_ پاداش نماز

در مورد پاداش نماز تعبیرات مختلفی در قرآن کریم وارد شده است از جمله این که قرآن کریم می فرماید: «لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (30)» (3) و «لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (4)» (4). قرآن کریم به اقامه ی نماز اطلاق «حسنة» نموده است؛ «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (5) و در جای دیگر می فرماید: هر کسی

ص: 93

1- احقاف / 13.

2- تفسیر تسنیم / ج 1 / ص 470.

3- فاطر / 30.

4- انفال / 4.

5- هود / 114.

عمل حسنه ای نزد ما بیاورد، خداوند 10 برابر به او پاداش می دهد؛ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (1).

البته هر عمل حسنه ای که انسان انجام بدهد، 10 برابر پاداش دارد چه روزه، چه تلاوت قرآن، چه جهاد در راه خدا، چه انفاق به مستمندان، اما در سوره ی هود به اقامه ی نماز اطلاق حسنه شده است.

مرحوم مجلسی در بحار و مرحوم کلینی در کافی و مرحوم صدوق در من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که ثواب و پاداش یک نماز واجب از 20 حج بیشتر است؛ «صلاة فريضة خير من عشرين حجة». بعد از نقل این حدیث به حدیث اشکالی وارد می کند و چند پاسخ می دهد.

اشکال این است که در برابر این روایت که می گوید ثواب یک نماز از بیست حج بیشتر است، روایتی داریم که می گوید ثواب و پاداش حج از نماز بیشتر است، علاوه بر آن خود حج مشتمل بر نماز است مثل نماز طواف.

الف _ نماز که بر حج برتری دارد حمل شود بر نمازهای واجب پنج گانه که ثواب نماز واجب از حج مستحبی طبعاً بیشتر است، اما آنجا که ثواب حج بیشتر گفته شده، مقصود حج واجب است که نسبت به نماز مستحبی ثوابش بیشتر است.

ص: 94

ب _ گفته شود ثواب نمازی که از 20 حج بیشتر است یا ثواب حجی که بیش از نماز است، بستگی دارد به تفاوت احوال و اشخاص و درجات معرفت و علم و عمل انسان که گاهی نماز شخصی به دلیل معرفت و کمال و اخلاص و سایر جهات از ثواب 20 حج شخص عادی بیشتر است و گاهی ثواب یک حج برای شخص با معرفت و کمال از ثواب نماز شخص عادی بیشتر است. (1)

81_ هشدار نسبت به ترک نماز

روز قیامت از مجرمان سؤال می شود که چه عاملی باعث ورود شما به جهنم گردیده است؟ می گویند: ما اهل نماز نبودیم؛ «فِي جَنّٰتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». (2)

تعبیرات تکان دهنده ای در اسلام در باره ی ترک نماز وارده شده از جمله: شرک، کفر، حبط عمل، مردن به دین یهود یا نصاری، حشر با قارون و ورود به جهنم؛ «واقیموا الصلوة و لا تكونوا من المشرکین» (3)، از این که می فرماید مانند مشرکان نباشید، معلوم می شود ترک نماز مایه ی شرک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ترک نماز نشانه ی کفر

ص: 95

1- بحار الانوار / ج 82 / ص 227.

2- مدثر / 40 _ 43.

3- روم / 31.

است؛ «بین الایمان و الکفر ترک الصلاة» (1).

امام علیه السلام فرمودند: «من ترک صلاته حتی تقوته من غیر عذر فقد حبط عمله» (2)؛ هر کس نمازش را بدون عذر ترک کند، عمل او نابود خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من ترک الصلوة لا یرجوا ثوابها و لا یخاف عقابها فلا أبالی ان یموت یهودیا أو نصرانیا أو مجوسیا» (3).

82_ نماز نور خداوند

از نظر اسلام نماز نور است و برای انسان نورانیت می آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الصلوة نور المؤمن و الصلوة نور من الله» (4). قرآن کریم می فرماید: منافقان خطاب به اهل ایمان می گویند: به ما توجه کنید تا از نور شما بهره مند شویم. به آن ها گفته می شود به دنیا برگردید و از آنجا کسب نور کنید؛ «یَوْمَ یَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ اِرْجِعُوا وِرَاءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (5).

با توجه به حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده «الصلوة نور» روشن می شود که اهل ایمان که نورانی هستند، این نور را به وسیله ی عبادت خدا و نماز که مظهر بندگی انسان است به دست آورده اند.

ص: 96

1- کنز العمال / ح 18869.

2- بحار / ج 82 / ص 201.

3- بحار / ج 82 / ص 201.

4- مستدرک / ج 3 / ص 92.

5- حدید / 12.

یکی از ارکان مهم نماز مسئله ی سجده است. سجده بهترین عملی است که انسان می تواند در پرتو آن به خداوند متعال نزدیک شود و در بارگاه الهی قرب و منزلت پیدا کند. قرآن کریم دستور به سجده می دهد و بعد نتیجه ی آن را قرب به خدا معرفی می کند. (1)

از این رو حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «اقرّب ما یكون العبد الی الله و هو ساجد». (2)

الف _ مرحوم محدث قمی در سفینه البحار می فرماید: «فسر السجود بغایة الخضوع و التذلل»؛ سجده نهایت تذلل و خاکساری انسان در برابر خداوند و عالی ترین درجه عبودیت انسان است. سجده تمایل رسیدن به سعادت انسانی است.

شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضا کرد که در قیامت با آن بزرگوار محشور بشود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مرا با سجده طولانی کمک کن تا در قیامت با من محشور شوی؛ «اذا اردت ان یحشرک الله معی فاطل السجود بین یدی الله الواحد القهار». (3)

ب _ سجده از نظر اسلام مخصوص خداوند است و اگر در قرآن کریم موضوع سجده ی ملائکه نسبت به حضرت آدم مطرح است، از باب

ص: 97

1- علق / 19.

2- عیون اخبار الرضا / ج 2 / ص 7.

3- بحار / ج 85 / ص 164.

تعظیم و تکریم حضرت آدم بوده و الا سجده برای خداوند بوده همان گونه که سجده ی برادران یوسف در باره ی حضرت یوسف علیه السلام نیز به منظور تکریم و تعظیم برادر بوده وگرنه سجده جز برای خداوند جایز نیست.

ج_ سجده رمز دوران زندگی انسان و مردن انسان و زنده شدن او در عالم قیامت است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: سجده اولی که انسان انجام می دهد به این معناست که انسان از خاک خلق شده، سجده ی دوم رمز این است که انسان بالاخره به خاک بر می گردد و سر برداشتن از سجده ی دوم رمز این است که انسان در قیامت از خاک بیرون می آید و زنده می شود. (1)

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (55)» (2)

د_ قرآن کریم وقتی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را معرفی می کند می فرماید: اثر سجده در چهره ی آنان آشکار است؛ « سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ». (3)

و_ یکی از القاب مبارک امام زین العابدین علیه السلام سجاد است و علت آن این است که اثر سجود در مواضع سجده حضرت دیده می شد.

ز_ در باره ی امام کاظم علیه السلام می خوانیم: «حلیف السجدة الطویلة و

ص: 98

1- نور الثقلین / ج 3 / ص 383.

2- طه / 55.

3- فتح / 29.

الدموع الغزيرة و المناجات الكثيرة و الضراعات المتصلة»؛ امام كاظم عليه السلام هم پيمان با سجده های طولانی بود و همدم اشک های فراوان و مناجات فراوانی با خداوند داشت و تضرع و ناله ی او به درگاه الهی به طور پیوسته بود.

84_ قداست و عظمت مساجد

خداوند در قرآن می فرماید: کیست ستم کارتر از منع کننده از یاد خدا در مساجد الهی و تلاش گر در ویرانی آنها.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (114)»(1)

از جمله ی «مساجد الله» استفاده می شود که مساجد از قداست و عظمت خاصی برخوردار است. چون کلمه ی «مساجد» اضافه به «الله» شده و این نشانه ی آن است که مساجد خانه های خداوند در زمین است. چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام رسیده که می فرماید: «انما أمر باتيان المساجد لانها بيوت الله في الأرض»(2)؛ بر شما باد آمدن به مساجد، زیرا مساجد خانه های خداوند در زمین هستند.

ص: 99

1- بقره / 114.

2- امالی صدوق / ص 293.

85_ مساجد محل عبادت خداوند

از جمله ی «ان یذکر فیها اسمہ» استفاده می شود که مساجد محل عبادت و پرستش الهی است و هر کاری غیر از عبادت در مساجد انجام بگیرد، لغو و بیهوده است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثة قرائة مصل او ذکر الله او سائل عن علم»⁽¹⁾؛ یعنی هر نوع جلوس و نشستی در مسجد لغو و بیهوده است مگر این که انسان نماز بخواند یا به یاد خدا مشغول باشد یا مسایل علمی مطرح شود.

86_ ویران کننده مساجد ظالم ترین انسان

این که می فرماید کسی که تلاش در تخریب و ویرانی مساجد می کند ظالم ترین انسان است. به قرینه تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش کند در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد.⁽²⁾

خرابی و ویرانی مسجد منحصر به تخریب فیزیکی نیست که مسجدی را خراب کنند و به جای آن منزل یا مغازه بسازند، بلکه هر برنامه ای که از رونق مسجد بکاهد تلاش در ویرانی مسجد محسوب می شود.⁽³⁾

ص: 100

1- بحار / ج 77 / ص 86.

2- تفسیر کبیر / ج 4 / ص 12.

3- اقتباس از تفسیر نمونه / ج 1 / ص 411.

از نظر اسلام مسجد مرکز عبادت و بندگی خداست و مرکز اجتماع فرهنگی مسلمانان است، از این رو هم متولیان مسجد باید افراد صالح و شایسته و مؤمن باشند و هم برنامه هایی که در مسجد اجرا می شود باید سازنده و رشد دهنده و آموزنده باشد، بنا بر این معماران و آباد کنندگان مساجد باید اهل ایمان و تقوا و پرهیزکاری باشند نه کسانی که اعتقادی به خدا و قیامت ندارند، از این رو قرآن کریم می فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ»⁽¹⁾؛ مشرکان و بیگانگان از دین اسلام حقی در آبادی و تعمیر مساجد ندارند.

در آیه ی بعد می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَسْ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»⁽²⁾؛ یعنی مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خداوند و روز قیامت معتقد باشند، علاوه بر آن نماز را بر پا دارند و زکات اموالشان را پرداخت کنند و جز از خداوند متعال ترس و هراس ندارند، امید است که چنین افرادی از هدایت یافتگان باشند، بنا بر این از این آیه استفاده می شود که متولیان و معماران مساجد باید دارای سه شرط باشند:

ص: 101

1- توبه / 17.

2- توبه / 18.

الف _ از جهت اعتقادی: مؤمن به خدا و قیامت باشند؛ «من ءامن بالله و الیوم الآخر».

ب _ از جهت علمی: نماز را بر پا دارند و اهل زکات باشند؛ «واقام الصلوة و اتی الزکوة».

ج _ از جهت روحی: شجاع و با صلابت باشند؛ «و لم یخش الا الله». (1)

88_ ترس از خداوند از اوصاف متولیان مساجد

قرآن کریم همان وصفی را که برای انبیا ذکر می کند، برای متولیان مسجد نیز ذکر می کند، و آن این که جز از خداوند متعال خشیت و ترس نداشته باشند؛ «الذین یبلغون رسالات اللّٰه و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله». (2)

در روایات عناوین مختلفی در باره ی مسجد بیان شده است از جمله:

الف _ اهمیت مسجد سازی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کسی مسجد بسازد اگر چه به اندازه ی لانه ی مرغی باشد خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا می کند؛ «من بنی مسجدا و لو کمفحص قطة بنی الله له بیتا فی الجنة». (3)

ب _ مسجد بازار آخرت است؛ «المساجد سوق من اسواق الاخرة

ص: 102

1- تفسیر نور / ج 5 / ص 33.

2- احزاب / 39.

3- بحار / ج 77 / ص 121.

ج _ تشکیل جلسات قرائت قرآن و تفسیر قرآن و اصولاً مباحث مختلفی که در زمینه قرآن کریم است باید در مساجد باشد؛ «انما نصبت المساجد للقرآن». (2)

د _ در روایات برای کسانی که به مساجد رفت و آمد می کنند بهره های فراوان و برکات زیادی ذکر شده از جمله دوست خوب پیدا کردن، اطلاعات و آگاهی های مفید پیدا نمودن، دوری از گناه و معصیت و مشمول رحمت خداوند شدن؛

«من اختلف الى المسجد اصاب احد الثمان احبا مستفادا في الله. أو علما مستطرفا أو آية محكمة أو رحمة منتظرة أو كلمة تردّه عن ردیّ أو يسمع كلمة تدلّه على هدی او یتربّ ذنبا خشية او حياء». (3)

89 _ وظایف مسلمان نسبت به مساجد

هر مسلمانی نسبت به مساجد الهی وظایفی دارد:

الف _ اولین وظیفه این است که عبادت و نماز و دعای خود را در مسجد انجام دهد. قرآن کریم می فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (4)؛ یعنی توجه خویش را در هر

ص: 103

1- مستدرک / ج 3 / ص 361.

2- وسائل / ج 3 / ص 493.

3- امالی صدوق / 318.

4- اعراف / 29.

مسجد و به هنگام عبادت به سوی خداوند نمایید و تنها او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص گردانید.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه ی شریفه می فرماید: مفسران چند وجه را در معنای آیه ی شریفه بیان کرده اند:

1_ نماز را در هر مسجدی که رسیدید بخوانید و نگویید در مسجد خودمان باید نماز بخوانیم.

2_ نمازهای روزانه را در مسجد بخوانیم.

3_ نماز را با نیت خالص بخوانیم. (1)

ب_ اگر خطری از ناحیه ی دشمنان متوجه مساجد شد، انسان مسلمان باید دفاع نماید و اصولاً یکی از اهداف تشریح جهاد و دفاع حفظ مساجد و حفظ مراکز عبادی مسلمانان است که خداوند می فرماید: « وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمت صَوَامِعُ وَبِيعَ صَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا » (2)؛ یعنی اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله ی بعض دیگر دفع نکند، مراکز عبادی و مساجد خدا که نام خدا در آن بسیار برده می شود، نابود می گردد.

ج_ هر مسلمانی هنگام رفتن به مسجد بهترین و زیباترین لباس خود را بپوشد؛ « يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ » (3). در روایت

ص: 104

1- مجمع البیان / ج 2 / ص 411.

2- حج / 40.

3- اعراف / 31.

است که حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی به نماز بر می خاست، زیباترین لباس خود را می پوشید، علت را جویا شدند فرمود: «انّ الله جمیل و یحب الجمال فاتجمل لربی»، بعد همین آیه ی شریفه را تلاوت فرمودند. (1)

از روایات وظایف و احکام دیگری درباره مسجد استفاده می شود از جمله:

1 _ خواندن دعا به هنگام ورود و خروج.

2 _ مقدم داشتن پای راست هنگام ورود و پای چپ هنگام خروج.

3 _ خواندن نماز تحیّت.

4 _ رفتن به مسجد با طهارت.

5 _ حرمت تجسّس مسجد 6 _ پرهیز از خوابیدن در مسجد 7 _ پرهیز از اعلام اشیای گمشده 8 _ پرهیز از خرید و فروش در مسجد 9 _

پرهیز از سخنان بیهوده 10 _ تمیز نگه داشتن مسجد: «من کنس المسجد یوم الخمیس لیلة الجمعة فاخرج منه التراب ... غفر الله له». (2)

11 _ پرهیز از مجالست با اهل دنیا؛ «یأتی فی آخر الزمان قوم یأتون المساجد فیقعدون حلقا ذکرهم الدنیا و حبّ الدنیا لا تجالسوهم

فلیس لله فیهم حاجة». (3)

ص: 105

1- مجمع البیان / ج 1 / ص 412.

2- وسائل / ج 3 / ص 511.

3- وسائل / ج 3 / ص 493.

از نظر قرآن کریم مساجد مرکز عبادت خداست و غیر خدا نباید پرستش شود. قرآن کریم می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (18) و «وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (2)؛ در مساجد باید نام خدا و یاد خدا فراوان مطرح شود.

نماز از جمله عباداتی است که ثواب و فضیلت آن در مکان ها و زمان های مختلف به دلیل شرافت زمان و مکان تفاوت پیدا می کند. مثلاً ثواب نماز در شب و روز جمعه غیر از سایر ایام هفته است. نماز در شب قدر یقیناً ثواب بیشتری دارد. همان گونه که از نظر مکان نماز فضیلت و ثواب آن متفاوت است؛ مثلاً نماز در مسجد الحرام ثواب صد هزار رکعت نماز را دارد؛ «صلاة في مسجد الحرام افضل من مائة الف صلاة». (3)

نماز در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معادل 10 هزار نماز است؛ «صلاة في مسجد المدينة عشرة الاف صلاة» (4). همچنین نماز در مسجد کوفه برابر هزار نماز است؛ «صلاة في مسجد الكوفة الف صلاة». (5)

نماز در مسجد محله برابر با 25 نماز است و نماز در مسجد بازار برابر

ص: 106

1- جن / 18.

2- حج / 40.

3- بحار / ج 99 / ص 241.

4- بحار / ج 99 / ص 378.

5- بحار / ج 100 / ص 400.

با 12 نماز است؛ «صلاة في مسجد القبيلة خمس عشرون صلاة و صلاة في مسجد السوق اثنتا عشرة».(1)

91_ نماز جماعت

قرآن کریم در سوره ی بقره موضوع نماز جماعت را بیان کرده است؛ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (43)»(2)؛ این آیه ی شریفه خطاب به یهودیان است. در جمله ی «أقيموا الصلوة» امر به اصل آوردن نماز است. جمله ی «واركعوا مع الراكعين» امر به جماعت است و علت این که فرموده «واركعوا مع الراكعين»، آن است که نماز یهودیان پیش از اسلام رکوع نداشته است و بعد از اسلام موظف شدند نمازشان را همانند نماز مسلمانان بخوانند و با رکوع انجام دهند.(3)

92_ توجه به جنبه های اجتماعی نماز

جملاتی که در نماز گفته می شود به صورت جمع بیان شده مانند: «نعبد»، «نستعين»، «اهدنا». این تعبیرات نشانگر آن است که اسلام به جمع و جماعت توجه دارد. همان گونه که در پایان نماز «السلام علیکم» و «السلام علینا» نیز به صورت جمع بیان شده است، همه ی این ها دلیل

ص: 107

1- بحار / ج 102 / ص 270.

2- بقره / 43.

3- تفسیر کبیر / ج 3 / ص 47.

بر این است که در نماز به جنبه ی اجتماعی نیز توجه شده است.

شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: چشم من ضعیف است و نمی توانم به مسجد بیایم و کسی نیست که با یاری او به مسجد بیایم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ریسمانی را از منزل خود به مسجد بپند و به کمک آن در جماعت حضور پیدا کن؛ فقال: یا رسول الله انا ضریر البصر وربما اسمع النداء و لا اجد من یقودنی الی الجماعة و الصلوة معک فقال له النبی: «شدّ من منزلک الی المسجد حبلاً و احضر الجماعة».(1)

شرکت در نماز جماعت انسان را از نفاق حفظ می کند.(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که صدای اذان را بشنود و بدون دلیل نماز جماعت را ترک کند، نماز (او ارزشی) ندارد؛ «من سمع النداء فلم یجبه من غیر علة فلا صلاة له»(3) و همچنین فرمودند: هر کسی که برای خواندن نماز جماعت به طرف مسجد حرکت کند، به شماره ی هر قدمی که بر می دارد هفتاد گناه او از بین می رود و هفتاد ثواب برای او ملاحظه می شود و به همین اندازه رفعت درجه و مقام پیدا می کند.

در ارزش نماز جماعت همین بس که هر انسانی برای شرکت در نماز جماعت از منزل خارج شود یا در مسجد به انتظار نماز جماعت به سر برد، خداوند به چنین شخصی که در انتظار نماز بوده پاداش نماز را

ص: 108

1- وسائل / ج 3 / ص 377.

2- مستدرک / ج 1 / ص 488.

3- وسائل / ج 5 / ص 375.

عنایت می فرماید. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لئن اصلى الصبح فى جماعة احب الی من ان اصلى لیلتی حتى اصبح» (2)؛ اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم در نظرم محبوب تر از عبادت و شب زنده داری تا صبح است، به دلیل همین فضیلت و پاداش هاست که اگر تعداد نمازگزاران از 10 نفر بیشتر شود پاداش آن را ملائکه نمی توانند ثبت و ضبط کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «صلاة الرجل فى جماعة خیر من صلاته فى بيته اربعین سنة» قیل یا رسول الله صلاة یوم؟ فقال صلی الله علیه و آله: «صلاة واحدة». (3)

93_ نماز جمعه

« إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ... وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ » (4)

الف _ «نودی» از ماده ی ندا به معنای بانگ بر آوردن است و در اینجا به معنای اذان است. زیرا در اسلام؛ ندایی برای نماز جز اذان نداریم. چنان

ص: 109

1- کنز العمال / ج 8 / ح 22818.

2- کنز العمال / ج 8 / ح 22792.

3- مستدرک / ج 1 / ص 488.

4- جمعه / 9_ 11.

که قرآن می فرماید: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا» (1).

ب _ در این که چرا روز جمعه را جمعه نامیده اند به دلیل اجتماع مردم برای اقامه ی نماز باشکوه جمعه است.

ج _ در اهمیت نماز جمعه همین بس که در این آیه تعبیر به سعی و تلاش برای آن شده است. در مورد شرکت در نماز جماعت روایت داریم که با طمأنینه و وقار حرکت کنید؛

«إذا أقمت الصلوة فلا- تأتوها و أنتم تسعون و أتوها و أنتم تمشون و عليكم السكينة»، بنا بر این جمله ی «فاسعوا»؛ بشتایید دلالت بر اهمیت نماز جمعه دارد.

د _ منظور از «ذکر الله» نماز جمعه است، به دلیل این که نماز جمعه مشتمل بر یاد خداوند است.

94_ مقدم داشتن نماز جمعه بر هر کار

جمله ی «و ذروا البيع»؛ یعنی خرید و فروش را رها کنید. این جمله در حقیقت نهی از هر عملی است که انسان را از نماز جمعه باز دارد و منحصر به خرید و فروش نیست، بلکه شامل اجاره و صلح و مضاربه و درس و بحث و سایر مشاغل نیز می شود.

جهت این که مسئله ی خرید و فروش را مطرح کرد، این است که

ص: 110

موضوع خرید و فروش روشن ترین عملی است که انسان را از نماز جمعه باز می دارد. (1)

95_ نماز جمعه و رسیدن به خیر حقیقی

الف) سرّ این که فرمود آنچه نزد خداست از لهُو و تجارت بهتر است، این است که ثواب خدا خیر حقیقی و دائمی و همیشگی است، اما آنچه در لهُو و تجارت است اگر خیری در آن باشد، خیر خیالی و باطل و غیر دائمی است، چه بسا اشتغال به لهُو و سرگرمی های غیر مفید خشم خدا را در بر دارد.

کلمه ی «خیر» در آیه ی شریفه به معنای تفضیلی نیست و الاّ لازم می آید لهُو و تجارت خیر باشد و آنچه نزد خداست بهتر از آن باشد با این که اصولاً لهُو در مقابل و مقایسه با آنچه نزد خداست اصلاً خیر نیست.

کلمه ی «خیر» مانند کلمه ی «خیر» در آیه ی شریفه ی «أَزْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (2) است، این چنین نیست که داشتن ارباب متفرق خوب باشد، و خدا از آن ها بهتر باشد، بلکه اصلاً آن ها خیر نیستند. (3)

از جمله ی «ترکوک قائما» استفاده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جمعه

ص: 111

1- المیزان / ج 19 / ص 552.

2- یوسف / 39.

3- المیزان / ج 19 / ص 555.

را ایستاده می خوانند و اولین کسی که نماز جمعه را نشسته خوانده معاویه بوده است.

96_ دنیا پرستان و رها کردن نماز جمعه

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر ایمانی در یک درجه نبودند؛ بعضی برای اعزام شدن به جبهه و جهاد می آمدند و به دلیل نبود امکانات، پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانست آنان را اعزام کند، گریه کنان بر می گشتند؛ « وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (92)»⁽¹⁾، بعضی هم به دلیل مسایل مادی پیامبر را تنها می گذاشتند؛ «و ترکوک قائما».

ویژگی های نماز جمعه

از مهم ترین نمازهای واجب، نماز جمعه است. نماز جمعه در اسلام از اهمیت خاص و امتیازات ویژه ای برخوردار است. برخی از خصوصیات و ویژگی های نماز جمعه عبارت است از:

1_ نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود و با کمتر از پنج نفر نمی توان نماز جمعه را اقامه کرد.

2_ نماز جمعه دو رکعت است و جای نماز ظهر را می گیرد و دو خطبه ای که قبل از نماز جمعه خوانده می شود، در حقیقت به جای دو

ص: 112

رکعت محسوب می شود.

3_ نماز جمعه همانند نماز صبح است و مستحب است که حمد و سوره را بلند بخوانند و نیز مستحب است که در رکعت اول سوره ی جمعه و در رکعت دوم سوره ی منافقین خوانده شود.

4_ در نماز جمعه دو قنوت مستحب است؛ یکی قبل از رکوع رکعت اول و دیگری بعد از رکوع رکعت دوم.

5_ خواندن دو خطبه قبل از نماز جمعه واجب است چنان که ایستادن خطیب به هنگام ایراد خطبه واجب است و شخصی که خطبه می خواند همان شخص باید نماز جمعه را بخواند.

6_ ستایش و حمد و سپاس خداوند در هر دو خطبه واجب است.

7_ توصیه و سفارش نمازگزاران به تقوا و پرهیزکاری واجب است.

8_ درود فرستادن و سلام بر پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نیز لازم است.

9_ لازم است خطیب جمعه در خطبه ها مصالح و مفاسد دنیا و دین مردم را بیان کند و مردم را از حوادث روزگار و اخبار جهان آگاه سازد.

10_ مستحب است امام جمعه به هنگام ایراد خطبه شمشیر یا عصایی در دست داشته باشد. (1)

در حدیث آمده است که اگر کسی در سرما و گرما در نماز جمعه

ص: 113

شرکت کند، اهل بهشت است؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الا أخبركم باهل الجنة؟ من لا يشغله عن الجمعة حر شديد و لا برد شديد».(1)

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر کسی سه هفته پشت سر هم بدون عذر نماز جمعه را ترک کند از جمله ی منافقان به حساب می آید؛ «من ترک الجمعة ثلاثا متتابعة لغير علة كتب منافقا».(2)

در روایات اهل بیت از نماز جمعه با تعبیرات خاصی یاد شده که بیانگر اهمیت نماز جمعه است؛

1_ نماز جمعه حج مساکین است؛ «و الجمعة حج المساکین».(3)

2_ نماز جمعه تکریم از مؤمنان است؛ «ان الله اكرم المؤمنین بالجمعه».(4)

3_ نماز جمعه جهت توبیخ و ملامت منافقان است؛ «توبیخا للمناقین».(5)

4_ نماز جمعه پیوند با امام و رهبر مسلمین است؛ «و لا الجمعة الا بامام».(6)

و خلاصه روز جمعه که سید الایام است، بر پایی نماز جمعه در آن روز باعث می شود خداوند رحمت خویش را شامل حال مؤمنین بنماید.

ص: 114

1- کنز العمال / ج 7 / ح 21085.

2- مستدرک / ج 8 / ص 6291.

3- وسائل / ج 5 / ص 11.

4- مستدرک / ج 6 / ص 6.

5- مستدرک / ج 6 / ص 6.

6- مستدرک / ج 6 / ص 13.

97_ نماز شب

قرآن کریم هشت ویژگی برای اهل ایمان بیان می کند که قسمتی از آن در باره ی افرادی است که اهل تهجد و نماز شب هستند و بعد در پایان می فرماید: پاداش نماز شب را هیچ فردی جز خداوند نمی داند؛ «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَزُوا سَجْدًا وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (15)»(2). در این آیه به چهار ویژگی مؤمنان اشاره شده است: اولاً می فرماید: تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که هرگاه این آیات به آن ها یادآوری می شود به سجده می افتند. ثانیاً تسبیح الهی را به جا می آورند. ثالثاً حمد و سپاسگزاری خدا را انجام می دهند. رابعاً اهل تواضع و فروتنی هستند و هیچ گونه استکباری ندارند.

در آیه ی بعدی می فرماید: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (16)»(3)؛ در این آیه نیز به چهار ویژگی دیگر مؤمنان اشاره شده است: اول این که پهلوهای خود را از بسترها در دل شب دور می سازند. دوم و سوم این که آنان پروردگار خود

ص: 115

1- مستدرک / ج 6 / ص 41.

2- سجده / 15.

3- سجده / 16.

را با بیم و امید می خوانند؛ «یدعون ربهم خوفا وطمعاً»؛ یعنی آن ها اهل خوف و رجا هستند نه از عذاب او احساس ایمنی می کنند و نه از رحمت الهی نا امید می باشند. آخرین ویژگی مؤمنان این است که از آنچه به آن ها روزی دادیم انفاق می کنند.

در سومین آیه به پاداش بزرگ و مهم و ارزشمند مؤمنان نماز شب خوان اشاره می کند و می فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (17)»⁽¹⁾؛ یعنی هیچ کس نمی داند چه پاداش مهمی به عنوان چشم روشنی برای آن ها در نظر گرفته شده و این پاداش فوق العاده بزرگ جزای اعمالی است که انجام دادند.

تعبیر به هیچ کس نمی داند؛ «فلا- تعلم نفس» و نیز تعبیر به آنچه مایه ی روشنی چشم هاست؛ «قرّة أعین»، بیانگر عظمت و بزرگی این پاداش الهی است.⁽²⁾

98_ راز پنهان بودن پاداش نماز شب

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می فرماید: در اینجا این سؤال مطرح است که چرا این پاداش عظیم مخفی نگه داشته شده است؟ وی سه پاسخ برای این سؤال بیان می کند:

1_ امور مهم و بسیار باارزش آن چنان است که با الفاظ و کلام به

ص: 116

1- سجده / 17.

2- تفسیر نمونه / ج 17 / ص 148.

آسانی حقیقت آن را نمی توان درک کرد و با این حال گاهی اخفا و ابهام نشاط انگیزتر است.

2_ اصولاً چیزی که مایه ی روشنی چشم هاست آنقدر دامنه اش گسترده است که علم و دانش انسان به تمام خصوصیات آن نمی رسد.

3_ چون این پاداش برای نمازی بیان شده که خود مخفی است، پس متناسب با عمل مخفی آن است که جزا و پاداش این عمل هم مخفی باشد.

در حدیثی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان الله يقول اعددت لعبادی الصالحین ما لاعین رأی و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر»؛ خداوند می فرماید: من برای بندگان صالح خود نعمت هایی را فراهم کردم که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ فردی خطور نکرده است. (1)

99_ دستور نماز شب به پیامبر اکرم

در دو مورد در قرآن کریم دستور به نماز شب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است؛ «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ» (2) و «يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ

ص: 117

1- مجمع البیان / ج 8 / ص 331.

2- اسراء / 79.

تَرْتِيلاً (4)» (1)؛ یعنی ای جامه به خود پیچیده شب را جز اندکی به پاخیز نیمی از شب را یا اندکی از آن کم کن یا مقداری بر نصف بیفز و قرآن را شمرده شمرده و به صورت واضح و روشن تلاوت کن، به دلیل این که ما سخن و گفتار سنگینی را به تو القا می کنیم؛ «انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً»، بعد می فرماید: این دستور به عبادت شبانه و تلاوت قرآن برای این است که برنامه ی مناجات شبانه و تلاوت قرآن و تهجد در شب پابرجا تر و با استقامت تر است؛ «انّ ناشئة اللیل هی اشدّ وطأ و اقوم قیلاً». به دنبال آن می فرماید: این دستور به نماز شب بدین جهت است که تو در روز سعی و تلاش فراوانی داری و فرصت عبادت زیاد را با خداوند نداری؛ «ان لک فی النهار سبحا طویلاً».

منظور از «قول ثقیل»، قرآن کریم است و سنگینی آن به واسطه یکی از این چند وجه است: یا محتوا و مطالب عالی آن سنگین است به طوری که این کلام الهی را تنها کسی می فهمد که از طهارت روح و باطنی پاک برخوردار باشد، یا عمل کردن به دستورات و فرامین قرآن کریم بسیار سخت و سنگین است و یا این که اجرای قوانین آن در جامعه بشری سنگین است؛ نشانه این مطلب مصائب و ناملایماتی است که پیامبر در این مسیر تحمل کرد؛ او را مسخره کردند، به ایشان اهانت کردند، جنگ به راه انداختند و ...

ص: 118

آیا این قیام شبانه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان واجب بوده و بعداً این حکم وجوب نسخ شده است؟ مرحوم علامه طباطبایی می گوید: دلیلی نداریم که قیام شب و نماز شب بر مسلمانان واجب بوده و بعداً وجوب آن نسخ شده، بلکه از ابتدا بر پیامبر واجب و بر سایر مسلمانان مستحب مؤکد بوده است.

الف _ در بیان اینکه منظور از «ناشئة اللیل» چیست اقوالی ذکر شده است به این شرح:

الف _ «ناشئة» یعنی ساعت های شب که حادث می شود. ب _ ایستادن به هنگام شب ج _ ایستادن در همه شب د _ اول شب. از مجموع اقوال چهارگانه می توان استفاده کرد که مقصود برنامه ی قیام برای تلاوت قرآن و نماز شب است. در حدیث است: «قیامه عن فراشه لا یرید الا الله».

ب _ «اشدّ وطأ» یا به معنای مشقت و زحمتی است که قیام شبانه دارد یا به معنای تأثیرات ثابت و راسخی است که در پرتو این عبادت در روح انسان حاصل می شود و انسان به واسطه ی آن می تواند تهذیب نفس کند و منظور از «أقوم قیلاً» اشاره به تلاوت قرآن است که سخنی پابرجا و ثابت است. (1)

ص: 119

بهترین فرصت برای نماز شب و مناجات با خدا، هنگام سحر است. زیرا اولاً: فرصت عبادت در روز کم است. ثانياً: خالی از ریا نیست. ثالثاً:

توجهی که انسان در شب دارد در روز ندارد. رابعاً: عبادت هر چه مخفی تر باشد فضیلت آن بیشتر است، از این رو قرآن کریم دلیل مناجات شبانه را اشتغالات در روز می داند؛ «ان لك في النهار سبحا طويلاً»؛ «سبح» به معنای دویدن و راه رفتن در آب است که در اینجا کنایه از اشتغالات روزانه است. در آیه ی دیگر می فرماید: «وجعلنا النهار معاشاً».

قرآن کریم بعد از دستور به نمازهای پنج گانه که واجب است، موضوع نماز شب را بیان می کند و به پیامبر خطاب می کند: قسمتی از شب را برخیز و قرآن و نماز بخوان که این برنامه یک وظیفه ی اضافی برای توست تا خداوند تو را به مقام محمود و پسندیده برساند و مبعوث سازد؛ «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (1).

مفسران بزرگوار تعبیر «و من اللیل فتهجد به» را اشاره به نماز شب دانسته اند، گرچه آیه ی شریفه صراحتی در این معنا ندارد، لیکن شواهد و قراین نشان می دهد که منظور نماز شب است.

«تهجد» از ماده ی «هجد» به معنای خواب است، لیکن وقتی به

ص: 120

باب تفعل می رود، به معنای از بین بردن خواب و انتقال به حال بیداری می باشد. (1)

ضمیر «فتهجّد به» گرچه به قرآن بر می گردد، لیکن مقصود نماز شب است و اصولاً متهجّد به کسی می گویند که نماز شب می خواند.

102_ وجوب نماز شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

کلمه ی «نافله» به معنای زیادی است؛ یعنی این برنامه ی نماز شب یک برنامه ی اضافی است علاوه بر نمازهای واجب. بسیاری از مفسران این جمله را دلیل بر این معنا دانسته اند که نماز شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب بوده، چون می فرماید: «نافلة لک» این برنامه لزوم و وجوبش مربوط به شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

علاوه بر آن کلمه «فتهجّد» فعل امر است و دلالت بر وجوب دارد، اما نماز شب برای سایر مردم مستحب مؤکد است و اصولاً یکی از مختصات پیامبر وجوب نماز شب بر آن حضرت است.

103_ مقام شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پرتو نماز شب

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: از آنجا که مقام محمود به طور مطلق بیان شده و با هیچ قیدی ذکر نشده، روشن می شود که مقامی

ص: 121

است مورد پسند همه ی انسان ها و آن مقام، منصب شفاعت است.

فخر رازی گوید: نکره بودن کلمه ی «محمودا» دلالت بر عظمت این مقام دارد. (1)

104_ نماز مسافر

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (101) (2)، در این آیه ی شریفه حکم نماز مسافر بیان شده که واجب است انسان مسافر نماز خود را به صورت قصر و شکسته بخواند.

هنگامی که سفر می کنید گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه و خطر دشمن می ترسید. در اینجا این سؤال مطرح است که آیه ی شریفه نماز قصر و شکسته را برای مسافر مشروط به مواجه شدن با خطر دانسته با این که اصولاً حکم نماز مسافر قصر و شکسته است چه در سفر بترسد یا نترسد، لکن مقید ساختن حکم قصر به ترس از دشمن به یکی از چند دلیل زیر است:

الف _ این قید، ناظر به مسلمانان در صدر اسلام است و به اصطلاح قید غالبی است؛ یعنی غالباً سفرهای مسلمانان در صدر اسلام همراه با ترس بوده و الاً به طور کلی نماز مسافر شکسته است.

ص: 122

1- تفسیر کبیر / ج 21 / ص 32.

2- نساء / 101.

ب _ مسئله ی نماز قصر در ابتدا به هنگام خوف و ترس از دشمن تشریح شده، بعدا این حکم توسعه پیدا کرده است و در همه ی موارد عمومیت پیدا کرده است. (1)

105 _ نماز در میدان جنگ

از دیدگاه قرآن کریم نماز به اندازه ای اهمیت دارد که حتی در صحنه ی جنگ نیز نباید ترک شود، از این رو قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می دهد که به هنگام جنگ نماز جماعت را به صورت شکسته به طرزى بخواند که تمام رزمندگان از ثواب نماز جماعت بهره مند شوند، در ضمن این که هوشیاری و احتیاط لازم را در برابر دشمن حفظ کنند.

از این رو می فرماید: هنگامی که در میان آنان هستی باید مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند: نخست عده ای با حمل اسلحه با توبه نماز بایستند، سپس هنگامی که این گروه سجده کردند و رکعت اول نماز آنان تمام شد، تو در جای خود می ایستی و آنان با سرعت رکعت دوم را بجا می آورند و به میدان جنگ بر می گردند.

گروه دوم که نماز نخوانده اند جای گروه اول را می گیرند، البته این گروه دوم نیز باید مسلح باشند تا مبادا غافلگیر شوند؛

ص: 123

1- تفسیر نمونه / ج 4 / ص 95؛ مجمع البیان / ج 2 / ص 101.

«وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ» (1)، بنا بر این نماز خصوصا به جماعت به اندازه ای دارای اهمیت و ارزش است که حتی در میدان جنگ هم نباید ترک شود، از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ نماز جماعت را با مسلمانان بجا آورد.

چه این که امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ صفین نگاه به آسمان می کرد، ابن عباس گفت این چه کاری است؟ فرمود: به زوال می نگرم تا به هنگام ظهر نماز بخوانیم. ابن عباس گفت: آیا الان زمان نماز است؟ حضرت فرمود: (آری)، چرا که ما برای نماز می جنگیم؛ و هل هذا وقت الصلوة ان عندنا لشغلا بالقتال عن الصلوة فقال على عليه السلام: «ما نقاتلهم؟ انما نقاتلهم على الصلوة». (2).

در روز عاشورا به هنگام جنگ شخصی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: الان وقت نماز است. امام حسین علیه السلام فرمود: نماز را یادآور شدی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد؛ «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین».

ص: 124

1- نساء / 102.

2- سفینة / ج 5 / ص 151.

از نظر قرآن کریم نماز هم دافع اعمال ناپسند و زشت است؛ یعنی نماز انسان را از گناه باز می‌دارد و هم رافع اعمال ناپسند و گناهان است؛ یعنی نماز گناهان انسان را از بین می‌برد.

الف _ قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (1). به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: شخصی نماز می‌خواند در عین حال مرتکب گناه نیز می‌شود. حضرت فرمودند: روزی این نماز او را از گناه باز می‌دارد؛ «انَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا»، چیزی نگذشت که او از ارتکاب به گناه توبه کرد.

ب _ قرآن کریم می‌فرماید: در پرتو اقامه‌ی نماز که حسنه است سیئات انسان از بین می‌رود؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (2).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... فَأَنَّمَا مِثْلُ الصَّلَاةِ كَمِثْلِ نَهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَرْتَ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ»؛ نماز همانند نهری جاری است که باعث پاکیزگی انسان از آلودگی‌ها می‌گردد. (3)

ص: 125

1- عنكبوت / 45.

2- هود / 114.

3- تهذیب / ج 2 / ص 237.

از نظر قرآن کریم اقامه ی نماز مایه ی پاکیزگی از گناهان و آلودگی های روحی است؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (1). این حقیقت که نماز انسان را از بدی ها و زشتی ها پاکیزه می گرداند، در احادیث نیز بیان شده از جمله:

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الصلوة صابون الخطايا» (2)؛ نماز صابون و وسیله ی پاکیزه شدن از گناهان است و نیز می فرماید: «أَنْهَا لَتَحَطَّ الذَّنُوبَ حَطَّ الْوَرَقِ» (3)؛ نماز گناهان را می ریزد همان گونه که برگ درخت می ریزد.

در بیانی دیگر در ذیل آیه ی شریفه ی فوق می فرماید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امیدوار کننده ترین آیه در قرآن آیه ی «واقم الصلوة طرفی النهار...» است و سوگند به کسی که مرا به عنوان بشیر و نذیر مبعوث ساخته، هر کسی به طرف نماز برود و وضو بگیرد، گناهان او از بین می رود. (4)

ص: 126

1- هود / 114.

2- شرح نهج البلاغه / ج 2 / ص 313.

3- نهج البلاغه / خطبه 199.

4- مجمع البیان / ج 3 / ص 201.

از نظر قرآن کریم تنها اهل ایمان از نماز بهره می برند، گرچه نماز بر همه ی مسلمانان واجب است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (1)؛ نماز بر مردم با ایمان یک امر تثبیت شده است. دلیل این که تنها اهل ایمان را ذکر کرد، آن است که تنها مؤمنان از نماز بهره مند می شوند.

چنان که قرآن کریم برای همه ی مردم مایه ی هدایت است؛ «هُدًى لِلنَّاسِ» (2)، اما تنها اهل ایمان و تقوا از آن بهره مند می شوند؛ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2)». (3)

چه این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت و ارشاد همه ی مردم مبعوث شده است؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (4)، اما خداوند بهره مندی از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها برای مؤمنان بیان می کند؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ». (5)

ص: 127

1- نساء / 103.

2- بقره / 185.

3- بقره / 2.

4- سبأ / 28.

5- آل عمران / 164.

109_ نماز اولین و آخرین سفارش پیامبران

وقتی حضرت عیسی علیه السلام به دنیا آمد، اولین سفارشی را که از ناحیه ی خداوند مطرح ساخت، نماز بود؛ « وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (31)» (1). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: محبوب ترین عمل به سوی خدا نماز است که آخرین سفارش انبیا نیز می باشد؛ «احبّ الاعمال الى الله عزّ و جلّ الصلوة و هي آخر وصايا الانبياء» (2).

110_ زینت مادی و معنوی در نماز

انسان در نماز لازم است دو نوع زینت داشته باشد:

الف_ زینت ظاهری؛ در روایت است که امام سجاد علیه السلام به هنگام نماز زیباترین لباس خود را می پوشید؛ «لبس اجود ثیابه» و بعد این آیه را تلاوت می فرمود: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (3).

ب_ زینت معنوی؛ که عبارت از حالت خشوع در نماز است. در حدیث است که امام علیه السلام می فرماید: «الخشوع زينة الصلوة» (4) و قرآن کریم در وصف مؤمنان می فرماید: آنان کسانی هستند که در نماز خویش خشوع دارند؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (5).

ص: 128

1- مریم / 31.

2- کافی / ج 3 / ص 251.

3- اعراف / 31.

4- بحار / ج 77 / ص 133.

5- مؤمنون / 1_ 2.

111_ تأثیر و تأثر متقابل در نماز و گناه

همان طوری که اگر اقامه نماز در جامعه زنده شود گناه و فساد از بین می رود، اگر افرادی تن به گناه و معصیت بدهند، دیگر توفیق نماز خواندن را به نحو صحیح پیدا نمی کنند.

قرآن کریم می فرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ »⁽¹⁾، بنا بر این اگر نماز باشد خبری از گناه نیست، و همین طور اگر نماز در جامعه احیا نشود، بلکه تضييع شد، آنگاه گناه و فساد رواج پیدا می کند؛ «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات»⁽²⁾.

112_ ضرورت نشاط در نماز

منافقان نماز خود را با حال کسالت و بی رغبتی بجا می آورند و در اعمال عبادی خود ریا و تظاهر می کنند؛ « وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ »⁽³⁾، از این آیه می توان چنین استفاده نمود که در نماز دو امر لازم است: نماز را با حال نشاط و علاقه به آن انجام دادن و از ریا و تظاهر احتراز نمودن، و اگر مسلمانی با حال کسالت و سنگینی نمازش را بجا آورد، نشانه ی نفاق اوست چنان که امام باقر علیه السلام

ص: 129

1- عنکبوت / 45.

2- مریم / 45؛ اقتباس از سخنان آیت الله جوادی آملی.

3- نساء / 142.

می فرماید: «لا تقم الى الصلوة متكاسلاً ولا متناعساً ولا متثاقلاً فانها من خلل النفاق...» (1).

113 - کمیت و کیفیت در نماز

نماز از جمله اموری است که هم به کمیت و هم به کیفیت آن توجه شده است:

کمیت: از سویی قرآن کریم می فرماید: نماز ذکر است؛ «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (2)، از سوی دیگر قرآن می فرماید: «اذكروا الله ذكراً كثيراً»، بنا بر این غیر از نمازهای واجب لازم است نمازهای مستحب را نیز بجا آورد تا کثرت، صدق نماید، البته روشن است که نماز یک مصداق از ذکر است.

کیفیت: مهم تر از کمیت در نماز؛ کیفیت آن است که باید نماز را با توجه به خدا و حضور قلب و حالت خشیت و خشوع بجا آورد.

قرآن کریم در وصف مؤمنان می فرماید: آن ها در نماز خود خشوع دارند؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (3). با نگاهی به سیره ی عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می بینیم که آن بزرگواران در نماز خویش به هر دو جهت عنایت داشتند.

ص: 130

1- تفسیر عیاشی / ج 1 / ص 137.

2- طه / 54.

3- مؤمنون / 1_2.

پیامبر اکرم آن قدر عبادت می کرد و نماز می خواند که در شأنش آیه شریفه «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْكُرَ» (1) نازل شد. در روایت نیز وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: من از نماز سیر نمی شوم؛ «انی لا اشبع من الصلوة». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: امام سجاد علیه السلام در هر شبانه روز مانند امیر المؤمنین علیه السلام هزار رکعت نماز می خواندند؛ «یصلی فی الیوم و اللیلة ألف رکعة کما کان یفعل امیر المؤمنین»، و در نماز رنگ امام علیه السلام متغیر می شد و اندام او می لرزید، در این روایت هزار رکعت نماز ناظر به کمیت نماز، و ترس و خشیت از خداوند، ناظر به کیفیت و حضور قلب در نماز است.

در روایت است که حضرت رضا علیه السلام نیز در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند و حضرت به دعبل شاعر فرمودند: این پیراهن را بگیر که من در آن هزار شب و در هر شب هزار رکعت نماز (یک میلیون رکعت) خوانده ام؛ «احتفظ بهذا القمیص فقد صلّیت فیہ ألف لیلة فی کلّ لیلة ألف رکعة». (3)

ص: 131

1- طه / 1_2.

2- بحار / ج 16 / ص 249.

3- مستدرک سفینة / ج 6 / ص 319.

از دیدگاه قرآن کریم، یکی از اوصاف برجسته ی خردمندان اقامه ی نماز است؛ « إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ... وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ » (1) و عدم اعتنا به این فریضه ی الهی علامت بی عقلی است.

از این رو قرآن کریم گاهی علت ورود تبهکاران به جهنم را بی عقلی آنان بیان می کند؛ « لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ » (2)، گاهی علت ورود آنان به جهنم را عدم توجه به نماز ذکر می کند؛ « مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ » (3).

شخصی نزد امام صادق علیه السلام از فردی ستایش کرد. امام علیه السلام از نماز او سؤال کرد؛ «ذکرت لابی عبدالله رجلاً من اصحابنا فاحسنت علیه الثناء فقال لی: «کیف صلاته» (4). شخص دیگری نزد امام صادق علیه السلام از فردی تمجید کرد، امام علیه السلام از عقل او سؤال کرد. او گفت: عقل درستی ندارد، امام فرمود: بنابراین کارهای او بی ارزش است؛ قلت له (ابی عبدالله) جعلت فداک انّ لی جارا کثیر الصلوة و الصدقة و کثیر الحج لا بأس به قال: «یا اسحاق کیف عقله؟» قال قلت له جعلت فداک لیس له عقل، قال: «لا یرتفع بذلک منه» (5).

ص: 132

1- رعد / 19_ 22.

2- ملک / 10.

3- مدثر / 42_ 43.

4- فروع کافی / ج 3 / ص 481.

5- اصول کافی / ج 1 / ص 18.

از این دو روایت که یک مرتبه امام علیه السلام از نماز سؤال می کند و بار دیگر از کسی عقل طرف را سؤال می کند، روشن می شود که مسئله ی نماز نشانه ی عقل و خرد انسانی است.

در پایان از خداوند متعال مسئلت دارم که نماز همه ما مسلمانان را به لطف و کرم خود بپذیرد چه اینکه به فرموده حضرت امام صادق علیه السلام گاهی پنجاه سال از عمر انسان می گذرد اما یک نمازش پذیرفته نمی شود و چه چیزی سخت تر از این خواهد بود؟

والله انّه لیأتی علی الرجل خمسون سنة و ما قبل الله منه صلاة واحدة فایّ شیء اشدّ من هذا؟... (1)

ص: 133

1- فروع کافی 1/256.

فهرست عناوین کتابهای ستاد اقامه نماز به ترتیب سال انتشار

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱- آشنایی با نماز (نوجوانان) | ۲۷- یک صبح پرماجرا |
| ۲- راز نماز (جوانان) | ۲۸- آداب و مستحبات نماز |
| ۳- پرنوی از اسرار نماز | ۲۹- داستانها و حکایتهای نماز |
| ۴- نماز نشانه حکومت صالحان | ۳۰- نماز پیوند خلق و خالق |
| ۵- سرچشمه امید | ۳۱- نماز در آینه حدیث |
| ۶- هزار کتاب و رساله پیرامون نماز | ۳۲- نماز در آینه قرآن |
| ۷- تنهایی آفرینش | ۳۳- نماز محبوب عارفان |
| ۸- هدایت نوجوان بسوی نماز | ۳۴- نماز و نمازگزاران |
| ۹- یکصد و چهارده نکته پیرامون نماز | ۳۵- نمازهای مستحبی |
| ۱۰- نماز در اسارت | ۳۶- جاده سجاده |
| ۱۱- آموزش نماز (نوجوانان) | ۳۷- در رواق نور |
| ۱۲- سیصد و سیزده سخن پیرامون نماز | ۳۸- شگفتی دیگر |
| ۱۳- نماز بهشت خلوت انس | ۳۹- آموزش خط نستعلیق در عرصه نماز |
| ۱۴- اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی | ۴۰- پیام معنویت |
| ۱۵- معراج سبز | ۴۱- تفسیر نماز |
| ۱۶- نشانه های نور | ۴۲- زنگ نماز |
| ۱۷- بهداشت مسجد | ۴۳- گل تسبیح خدا |
| ۱۸- جشن شکوفه ها | ۴۴- مجموعه اشعار نماز و عاشورا |
| ۱۹- ملکه جنگل | ۴۵- نشانه های حقگزاری نماز |
| ۲۰- نافله باغ | ۴۶- آبشار رحمت |
| ۲۱- نام دیگر زمین | ۴۷- پیشانی سوخته |
| ۲۲- همراه با نماز | ۴۸- چهارصد سخن پیرامون نماز |
| ۲۳- داستان نماز عارفان | ۴۹- طهارت روح |
| ۲۴- در قلمرو راز | ۵۰- بهترین پناهگاه |
| ۲۵- پرواز | ۵۱- امام در سنگر نماز |
| ۲۶- حی علی الصلوة | |

فهرست عناوین کتابهای ستاد اقامه نماز به ترتیب سال انتشار

- ۵۲- پرستش آگاهانه ۷۸- باغ بی فصل
 ۵۳- قهرمان دبیرستان امیرکبیر ۷۹- مثل فرشته
 ۵۴- و نماز یعنی رهبری ۸۰- نماز زیباترین جلوه نیایش
 ۵۵- پادشاهای نمازگزاران ۸۱- نماز و زندگی (جلد اول)
 ۵۶- سحر خوان ۸۲- نماز و نوسازی معنوی
 ۵۷- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران ۸۳- آنجا که خدا را می توان یافت
 ۵۸- پیام معنویت (به خط نستعلیق) ۸۴- نماز ذروه ناز
 ۵۹- مرغ سحر ۸۵- نماز و تربیت
 ۶۰- سجاده عشق (نماز شب) ۸۶- یاد شیرین تو
 ۶۱- محراب عشق (نماز جماعت) ۸۷- منظومه نماز
 ۶۲- مسجد نمونه ۸۸- نقش نماز در زندگی زوجهای جوان
 ۶۳- نماز ابرار ۸۹- نماز زیباترین الگوی پرستش
 ۶۴- آموزش نماز ۹۰- نماز شناسی (جلد اول)
 ۶۵- دوست من نماز ۹۱- تماشای افق (مجموعه شعر)
 ۶۶- کوتاه و خواندنی از نماز ۹۲- در جاری زلال زمزم
 ۶۷- پاداش زهرا ۹۳- شیروخط (نمایشنامه)
 ۶۸- لبخند شیرین پیامبر ۹۴- نماز عاشقی
 ۶۹- مجموعه مقالات برگزیده ۹۵- نماز شناسی (جلد دوم)
 ۷۰- معارفی از نماز ۹۶- مقامات عرفانی نماز در قرآن
 ۷۱- من نماز می خوانم زیرا... ۹۷- بازگشت به اصل
 ۷۲- نماز حقیقت درخشنده ۹۸- گوشه هایی از تجلی نماز در ادبیات فارسی
 ۷۳- نماز راهی به سوی کامیابی ۹۹- چهل حدیث و چهل خاطره از حضرت امام (ره)
 ۷۴- نماز یا بهترین راه خودسازی ۷۵- پژواک عشق
 ۷۶- نور مؤمن ۱۰۰- نیایش سرخ
 ۷۷- واگویه راز در آینه عرفان نماز ۱۰۱- نماز و زندگی (جلد دوم)

فهرست عناوین کتابهای ستاد اقامه نماز به ترتیب سال انتشار

- ۱۰۲- نماز و اخلاق دانشجویی
 ۱۰۳- نسیم انس
 ۱۰۴- نماز، حکومت، تربیت (جلد اول)
 ۱۰۵- در باغ سبز (جلد ۱)
 ۱۰۶- در باغ سبز (جلد ۲)
 ۱۰۷- در باغ سبز (جلد ۳)
 ۱۰۸- در باغ سبز (جلد ۴)
 ۱۰۹- در باغ سبز (جلد ۵)
 ۱۱۰- جوانه های جوان (جلد ۱)
 ۱۱۱- جوانه های جوان (جلد ۲)
 ۱۱۲- جوانه های جوان (جلد ۳)
 ۱۱۳- جوانه های جوان (جلد ۴)
 ۱۱۴- آرامش زلال
 ۱۱۵- ضیافت عشق
 ۱۱۶- مردی با نماز تمام
 ۱۱۷- تصویر نماز در فرهنگ عامیانه
 ۱۱۸- چرا نماز بخوانیم؟
 ۱۱۹- نماز و مفاهیم نمادین
 ۱۲۰- نماز، حکومت، تربیت (جلد دوم)
 ۱۲۱- راز نماز
 ۱۲۲- نماز و جامعه شناسی
 ۱۲۳- ماه خورشید نما
 ۱۲۴- کلام برتر
 ۱۲۵- شیوه های گسترش فرهنگ نماز در قرآن
 ۱۲۶- اذان و اقامه در اسلام
- ۱۲۷- مجموعه خاطرات نماز شهیدان
 ۱۲۸- سیمای متهجدین
 ۱۲۹- کتابچه تمرین نماز
 ۱۳۰- نهج البلاغه
 ۱۳۱- شبی در پایتخت بهشت
 ۱۳۲- نماز و دانشگاه (۱)
 ۱۳۳- درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی
 ۱۳۴- یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز
 ۱۳۵- زکات در اندیشه ها
 ۱۳۶- دو گفتار (پیرامون نماز و زکات)
 ۱۳۷- نقش نماز در هویت یابی انسان مسلمان
 ۱۳۸- روایت مهر
 ۱۳۹- پرواز عشق
 ۱۴۰- راهبردهای روانشناختی تبلیغ
 ۱۴۱- حضوری عاشقانه
 ۱۴۲- نماز و دانشگاه (۲)

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

